

مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران  
۱۲. برنامه‌ریزی در کشور فرانسه

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	۱. تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی
۵	۲. سرچشمه‌ها و اهداف اولیه
۹	۳. برنامه‌ریزی در کشور فرانسه
۲۰	۴. مرکز برنامه‌ریزی راهبردی
۲۴	۵. نقش نخست‌وزیر در برنامه‌ریزی ملی
۲۵	۶. نقش مجلس در برنامه‌ریزی ملی
۲۶	۷. اجرای برنامه و ارزیابی آن
۲۷	۸. خصوصی‌سازی و رابطه دولت با بخش خصوصی
۲۸	جمع‌بندی
۳۲	منابع و مأخذ



## مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ۱۲. برنامه‌ریزی در کشور فرانسه

### چکیده

فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه، بزرگ‌ترین کشور واقع در اروپای غربی است. کشور فرانسه یکی از کشورهای است که در زمینه برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای تجارب زیادی داشته است؛ تهیه بیش از یازده برنامه مختلف که هر یک از نظر زمانی و موضوعی نکات قابل توجهی را نشان می‌دهد.

برنامه‌های توسعه اغلب پنج‌ساله و سندی برای برنامه‌ریزی اقتصادی دولت به‌شمار می‌رفت که براساس آن اهداف تولید و توسعه اقتصادی برای مدت پنج سال مشخص می‌شد، لکن از برنامه پنجم به بعد عملکرد برنامه‌ها در حد انتظار نبوده و برنامه‌ها موفق به دستیابی به اهداف تعیین شده، نشده‌اند. ضمن آنکه از برنامه هفتم، برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح ملی فرانسه کنار گذاشته شد و برنامه‌های راهبردی جایگزین برنامه‌های گذشته شده است. تمامی برنامه‌های اقتصادی توسط سازمان برنامه‌ریزی کشور تهیه شده‌اند و این سازمان تا سال ۲۰۰۵ به‌کار خود ادامه داد و از آن پس مرکز تحلیل استراتژیک (مرکز برنامه‌ریزی راهبردی) جایگزین آن شد.

### مقدمه

فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه، بزرگ‌ترین کشور واقع در اروپای غربی است. این کشور با کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان، سوئیس، ایتالیا، موناکو، آندورا و اسپانیا مرز مشترک زمینی دارد. فرانسه از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ تا پایان جمهوری چهارم یعنی به تقریب از قرن ۱۹ تا اشغال فرانسه به وسیله آلمان در جنگ جهانی دوم، صحنه تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی، شکل‌گیری جنبش‌های متعدد، گروه‌بندی‌های سیاسی، مبارزات طبقاتی گوناگون و دو انقلاب بوده و چندین بار از نظام جمهوری، به نظام سلطنتی و امپراتوری و باز به جمهوری و امپراتوری و نظام سلطنتی دست به‌دست گشته است. با فاصله کمی پس از انقلاب ۱۷۸۹، سقوط بورژوازی، نظام سلطنتی و اعدام لوئی شانزدهم و اعلام نظام جمهوری، به‌ویژه پس از روبسپیر و متحدانش (ترمیدور، سال دوم)، دیرکتوار<sup>۱</sup> نظام جمهوری را به سمت محافظه‌کاری سوق می‌دهد و کودتای

۱. Directoire: قدرت اجرایی که قانون اساسی در سال سوم (اوت ۱۷۹۵) ایجاد کرد. این نام به رژیم اطلاق می‌شود که جایگزین کنوانسیون ترمیدوری ۵ برومر سال چهارم (۲۸ اکتبر ۱۷۹۵) شد و متشکل از پنج عضو (مدیران) بود. این هیئت مدیران، وزرا و

۱۸ برومر سال هشت (۱۷۹۹) در فرانسه نظام کنسولی برقرار می‌سازد و جمهوری در امپراتوری ناپلئون اول محو می‌گردد. دوره ناپلئون سراسر به جنگ می‌گذرد. پس از تسلیم ناپلئون (۱۸۱۴- پیمان فونتن بلو) و تبعیدش به ایل، دوباره نظام سلطنتی به جای جمهوری می‌نشیند و سلطنت به شاخه بزرگ‌تر خاندان بوربون، نخست، لوئی هجدهم و پس از او به شارل دهم انتقال می‌یابد. ناپلئون پس از صد روز از ایل به فرانسه باز می‌گردد (حکومت صد روزه) و پس از وقفه‌ای در نظام سلطنتی، با شکست ناپلئون در واترلو و برکناری دوباره وی، نظام سلطنتی دوباره برقرار می‌گردد. سال‌ها جنگ و آشفتگی اقتصادی و بحران‌های پی‌درپی سیاسی، وخامت وضع مالی، اقتصادی و اجتماعی را تشدید می‌کند و بحران سیاسی در سال‌های ۱۸۲۶-۱۸۲۸، کار را به انقلاب ۱۸۳۰ می‌کشاند. پس از کناره‌گیری شارل دهم، دوک دورلئان، به قدرت فراخوانده می‌شود و این بار سلطنت ژوئیه<sup>۱</sup> مستقر می‌گردد. با انقلاب ۲۲، ۲۳ و ۲۴ فوریه ۱۸۴۸ لوی فیلیپ خلع می‌شود. انقلاب سرکوب می‌گردد و اعتدالیون و محافظه‌کاران در مقابل «خطر سرخ» متحد شده، پیروزی لوئی فیلیپ ناپلئون در انتخابات ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ را تضمین می‌کنند (ناپلئون سوم)<sup>۲</sup>. جمهوری دوم از کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱ جان به سلامت در نمی‌برد. یک تصمیم سنا که در ۲۱-۲۲ نوامبر ۱۸۵۲، پس از تبلیغات زیاد به آرای عمومی گذاشته می‌شود، در ۲ دسامبر ۱۸۵۲ امپراتوری را برقرار و ناپلئون سوم را امپراتور اعلام می‌کند (امپراتوری دوم). بدین ترتیب امپراتوری دوم جایگزین جمهوری دوم می‌شود. با شکست ناپلئون سوم از پروس در ۱۸۷۰، از نو جمهوری (جمهوری سوم، ۱۹۴۰-۱۸۷۰) برقرار می‌گردد که تا شکست فرانسه از آلمان در آغاز جنگ جهانی دوم و استقرار رژیم ویشی ادامه می‌یابد. پیمان ترک مخاصمه رتوند<sup>۳</sup> (۲۰ ژوئن ۱۹۴۰) بین فرانسه و آلمان به امضا می‌رسد و مجمع ملی (مجلس نمایندگان و سنا) قدرت تام‌الاختیار را در ۱۱

ژنرال‌های فرمانده را انتخاب می‌کرد. این دوره، دوره انتقالی بین دولت انقلابی و دوره ناپلئونی بود.

۱. Monarchie de juillet نامی است که به رژیم دوک دورلئان، لوئی فیلیپ اول (۱۸۳۰-۱۸۴۸) داده شده است. وی پس از انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ به قدرت فراخوانده شد و با انقلاب ۱۸۴۸ مجبور به ترک قدرت شد.

۲. شارل لوئی ناپلئون (ناپلئون سوم) امپراتور فرانسه از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۷۰. برادرزاده ناپلئون اول. پس آنکه آزادیخواهان فرانسه اساس سلطنت لوئی فیلیپ را برچیدند او را به ریاست‌جمهوری برداشتند، اما او که هوای امپراتوری خود را در سر داشت با کودتایی قوه مقننه را منحل کرد، شورش کارگران را درهم شکست و تحت قانون اساسی ۱۸۵۲ زمام قدرت را در دست گرفت و خود را امپراتور خواند و تا ۱۸۶۰ با قدرت تمام و استبداد حکومت کرد. از سال ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۸ از استبداد کاست و آزادی‌های مدنی را بیشتر کرد و قوه مقننه را در کار خود آزاد گذاشت. در ژوئیه ۱۸۷۰ وی به پروس اعلام جنگ کرد (جنگ فرانسه و آلمان در زمان بیسمارک). پس از شکست از آلمان (۲ سپتامبر ۱۸۷۰) زندانی شد و ۴ سپتامبر ۱۸۷۰ مجلس پایان امپراتوری دوم را اعلام کرد.

۳. Rhétondes این پیمان به‌طور نمادین در همان محل و در همان واگنی (در ایستگاه راه‌آهن) به‌وسیله فرانسه با حضور هیئت نمایندگی آلمان (کایتل - مارشال فرمانده کل قوای آلمان و ژنرال یودل - معاون کایتل) امضا شد که پیمان ترک مخاصمه جنگ جهانی اول در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۹ بین آلمان و متحدین به امضا رسیده شده بود. مطابق این پیمان فرانسه به دو قسمت؛ بخش اشغالی (شمال، غرب و جنوب غربی) و منطقه آزاد به ریاست مارشال پتن تقسیم شد و فرانسه «برای نگاهداری قشون اشغالگر» باید روزانه ۴۰۰ میلیون فرانک (که در سال ۱۹۴۲ به ۵۰۰ میلیون فرانک افزایش یافت) می‌پرداخت. جالب است که تسلیم آلمان پس از شکست، به‌وسیله کایتل در برلین (۸ مه ۱۹۴۵) و به‌وسیله یودل در Reims (۷ مه ۱۹۴۵) امضا شد. کایتل و یودل در دادگاه نورمبرگ به مرگ محکوم شده و اعدام گشتند.



ژوئیه ۱۹۴۰ به پتن تفویض می‌کند و بدین ترتیب جمهوری سوم به پایان می‌رسد. با آغاز رژیم ویشی برنامه‌ریزی با یک برنامه ده‌ساله آغاز می‌شود.

## ۱. تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی

### ۱-۱. برنامه<sup>۱</sup>

کوشش آگاهانه دولت در جهت هماهنگی تصمیمات اقتصادی در بلندمدت و تأثیر گذاشتن، جهت دادن و در برخی موارد کنترل سطح و رشد متغیرهای اصلی اقتصادی یک کشور برای رسیدن به یک سلسله اهداف از قبل تعیین شده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۲. آمایش

- در فرهنگ لغات لاروس، آمایش چنین تعریف شده است: «... بهترین نوع توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی».

- منظور از آمایش سرزمین، رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، توسط بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در پهنه سرزمین است.<sup>۳</sup>

- آمایش سرزمین در حال حاضر شامل سازماندهی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و محیط‌زیستی، به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب پیشنهاد می‌شود.<sup>۴</sup>

- در کشورهای انگلیسی‌زبان به‌ویژه در انگلستان، مفهوم «آمایش سرزمین» با مفهومی که در فرانسه پذیرفته شده است، به کار گرفته نشده و به جای آن مفهوم برنامه‌ریزی فیزیکی<sup>۵</sup> مد نظر قرار گرفته است.

### ۱-۳. رشد و توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی را می‌توان تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، اقتصادی، طرز تلقی عامه مردم و کاهش نابرابری و ریشه‌کن شدن فقر مطلق دانست. گفتنی است شرط لازم برای تحقق هر یک از موارد یاد شده رشد اقتصادی است. در گذشته منظور از رشد اقتصادی، رشد تولید ناخالص ملی هر کشوری بود که به‌عنوان شاخص ارزیابی‌کننده توسعه اقتصادی مد نظر قرار می‌گرفت، اما رشد اقتصادی با تعریف افزایش مستمر درآمد ملی سرانه یک کشور در یک دوره بلندمدت، از عهده اهداف جوامع،

---

1. Plan  
2. Todaro, 1981.  
3. La caze, 1995.  
4. Official Journal, 1992, Manesse, 1998.  
5. Physical Planning

به‌عنوان شاخص ارزیابی‌کننده صحیح برای رفاه و توسعه اقتصادی کشورها برنیامد و مقایسه ارقام درآمد سرانه، تفاوت کشورهای فقیر و غنی را در سطح بین‌المللی به‌درستی نشان نداد.

#### ۴-۱. توسعه

صاحب‌نظران تعاریف و مفاهیم متفاوتی را برای «توسعه» مطرح نموده‌اند و گرچه مفهوم ترقی،<sup>۱</sup> رشد،<sup>۲</sup> پیشرفت<sup>۳</sup> و گسترش<sup>۴</sup> از گذشته‌های خیلی دور در ادبیات اقتصادی و اجتماعی مطرح بوده، لکن واژه توسعه<sup>۵</sup> به مفهوم متداول کنونی آن پس از جنگ جهانی دوم رواج پیدا کرده است.<sup>۶</sup> توسعه که در مفهوم، حرکت به سمت بهبودی و تغییر شرایط از وضع کنونی به شرایطی مطلوب‌تر است، در حقیقت، جنبه هدفمند آرمانی‌تری را به نمایش می‌گذارد.<sup>۷</sup> برخی توسعه را پدیده‌ای چندبُعدی، پیچیده و شامل جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌دانند و تقدم و تأخری برای هیچ‌یک از این جنبه‌ها قائل نمی‌شوند و تأکید بر یکی از آنها را مردود می‌شمارند.<sup>۸</sup> در دهه ۱۹۹۰ میلادی، با معطوف شدن توجه جهانی به مسائل محیط زیست اصطلاح و مفهوم جدیدی به‌نام توسعه پایدار<sup>۹</sup> رواج پیدا کرد.<sup>۱۰</sup>

#### ۵-۱. ضرورت برنامه‌ریزی توسعه

به تعبیر پیر ماسه برنامه را می‌توان «کاهش‌دهنده عدم اطمینان‌ها» تلقی کرده است. آگاهی از فرصت‌ها و تهدیدهای آتی و چگونگی استفاده از فرصت‌ها و مبارزه با تهدیدها در محیط درحال تغییر و تحول شکل می‌گیرد و مواجهه عقلایی و مناسب با این تغییرات مؤید ضرورت برنامه‌ریزی در تمامی حوزه‌هاست. نقش اساسی برنامه‌ریزی ملی برای دستیابی به اهداف توسعه عبارت است از:

- فراهم آوردن شرایط عمومی مطلوب برای توسعه،
- افزایش آگاهی از آثار بالقوه و مزایای توسعه،
- بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری‌های اساسی دولت،
- بهبود کسب‌وکار.

1. Progress  
2. Growth  
3. Advancement  
4. Expanding  
5. Development  
6. Todaro, 1971.  
7. Krinsteusen, 1974.  
8. Rondinelle, 1993.  
9. Sustainable Development



## ۲. سرچشمه‌ها و اهداف اولیه

برنامه‌ریزی در کشور فرانسه در طول زمان هم از لحاظ محتوا و هم از نظر روش تغییرات قابل توجهی داشته است. با این حال برنامه‌ریزی در کشور فرانسه، صرفاً به معنای تصمیم‌گیری‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت نبوده و بیش از هر چیز به مثابه قدرت تفکر، تعقل، نوآوری و ابتکار در عرصه مدیریت ارشادی<sup>۱</sup> جامعه است.

برنامه‌ریزی در این کشور بر وجود بنگاه‌های خصوصی دلالت دارد. مکانیسم‌های بازار در آن به درستی مورد استفاده قرار گرفته و مرجع برنامه‌ریزی بر آزادی بنگاه‌های اقتصادی، تولید و مصرف نظارت دارد. مرجع برنامه‌ریزی با ابزار تشویق و ترغیب به اهداف دست‌یافته و سیاست‌های مناسب پولی و مالی محرک انگیزه‌ها می‌باشد. به عنوان مثال دولت برای تولیدات یارانه در نظر می‌گیرد و یا کنترل قیمت می‌نماید (کاهش قیمت‌ها انگیزه‌ای برای مصرف بیشتر و یارانه انگیزه‌ای برای افزایش تولید است). مقام دولتی بر بازار نظارت داشته و بازار نیز تولیدکنندگان را تحت کنترل دارد (مقام دولتی با استفاده از ابزارهای انگیزشی تشویقی نظیر تنظیم قیمت، وضع مالیات، یارانه و... در بازار دخل و تصرف می‌کند).

به منظور تسریع در شکل‌گیری سرمایه، دولت یا شخصاً سرمایه‌گذاری می‌کند و یا بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری می‌نماید. در حقیقت تصمیمات بخش خصوصی تحت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی قرار دارد. به عبارتی دولت بر تمامی ابزارهای تولید کنترل نداشته و عملیات اقتصادی بخش خصوصی مستقیماً تنظیم نمی‌شود. مردم در مراحل تهیه و اجرای برنامه سهیم بوده و در واقع نمایندگان مردم هستند که اهداف و شیوه‌های تخصیصی برنامه را تعیین می‌کنند (نه مرجع اصلی). مردم از حق کافی برای انتقاد نسبت به برنامه‌ریزی برخوردار بوده و مجلس قدرت اصلاح یا رد برنامه‌های تدوین شده را دارد (کمیسیون برنامه‌ریزی مجلس، برنامه‌ها را بررسی می‌نماید و پیشنهاد تأیید، اصلاح یا رد آنها را به مجلس ارائه می‌کند).

برنامه‌ریزی در فرانسه با تمرکز بر عوامل زیر شکل گرفته است:

- استفاده منطقی از منابع مادی و معنوی جامعه،

- رشد و بهره‌وری روزافزون به عنوان هدف نهایی برنامه توسعه.

بنابراین می‌توان گفت مبنای برنامه‌ریزی در کشور فرانسه رشد اقتصادی از طریق پیشرفت و ترقی در فنون تولید و افزایش کارایی و بهره‌وری در ظرفیت‌های تولیدی کشور است.

ایده برنامه‌ریزی در فرانسه، محصول بلاواسطه پس از جنگ جهانی دوم نیست. حاملان این

ایده، جریان‌ات سیاسی گوناگون در فاصله بین دو جنگ جهانی بودند و خود، با الهام از برنامه‌گرایی<sup>۱</sup> هندریک دومان<sup>۲</sup>، رهبر حزب کارگری بلژیک، در سال ۱۹۳۳ باعث انشعاب بین SFIO و PSdF<sup>۳</sup> گردید. با این حال اقلیتی از طرفداران برنامه‌گرایی «گروه انقلاب سازنده»، در SFIO باقی ماندند.

در سال ۱۹۳۴ یک پروژه برنامه، باعث شد که مردان سیاسی و سندیکالیست‌های مختلف، با گرایش‌ات سیاسی گوناگون، از جناح چپ تا راست گرد هم آیند و برای تدوین یک برنامه بکوشند. برخی از تاریخ‌نویس‌ها برآنند که در سال‌های دهه ۱۹۳۰ پروژه‌های برنامه متعددی ارائه شد، اما هیچ‌یک از طرف دولت به اجرا گذاشته نشد.

لکن شروع برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور فرانسه به دوران پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. ایده اصلی تهیه و اجرای برنامه را یکی از شخصیت‌های مهم آن زمان به نام ژان مونه ارائه داد. بر مبنای نظر وی شورای برنامه‌ریزی و تجهیز در ژانویه ۱۹۴۶ تأسیس و متعاقب آن برنامه توسعه کشور فرانسه که به برنامه ژان مونه معروف است تهیه شد. این برنامه پشتیبانی دو سازمان را همراه داشت: سازمان مطالعات اقتصادی و مالی وزارت اقتصاد<sup>۴</sup> و مؤسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی<sup>۵</sup>.

«پیرماسه» که مدت‌ها کمی‌سر عالی برنامه‌ریزی فرانسه (رئیس سازمان برنامه‌ریزی فرانسه) و از متفکران به نام فرانسوی در امر برنامه‌ریزی است، برنامه‌ریزی به شیوه فرانسوی را «جستجوی راه میانه‌ای [بازار و دولت] که پایبندی به آزادی و ابتکار فردی را با جهت‌گیری مشترک برای توسعه آشتی می‌دهد، خوانده است». این تلقی حدود نیم قرن هدایت اقتصاد فرانسه را به کمک ۱۱ برنامه - که ۱۰ برنامه آن به اجرا گذاشته شد - برعهده داشته است.<sup>۶</sup>

1. Planisme

2. Hendrik De Mam

۳. Section Française de l'Internationale Ouvrière: بخش فرانسوی بین‌الملل کارگری که رهبری حزب سوسیالیست فرانسه را برعهده داشت.

۴. حزب سوسیالیست فرانسه.

5. Service des Études Économiques et Financières du Ministère des Finances (SEEF)

6. Institut national de la statistique et des études économiques (NSEE)

۷. توفیق، ۱۳۸۳.



## ۲-۱. «برنامه دهساله» رژیم ویشی<sup>۱</sup>

رژیم ویشی، همزمان با بررسی‌های مشابهی که به‌وسیله کمیته عمومی مطالعات شورای ملی مقاومت<sup>۲</sup> از سال ۱۹۴۲-۱۹۴۳ و نیز به‌وسیله کمیته فرانسوی آزادی ملی<sup>۳</sup> در الجزیره در سال ۱۹۴۴ صورت گرفت، نخستین ابزارهای برنامه‌ریزی اقتصادی را در فرانسه، به خدمت گرفت. رژیم ویشی با وضع قانون ۲۳ فوریه ۱۹۴۱، «کمیسیون عمومی برای تجهیزات ملی» را به‌وجود آورد و درباره اصول یک برنامه تصمیم گرفت. این کمیسیون در ماه مه ۱۹۴۲ سندی در ۶۰۰ صفحه ارائه داد؛ برنامه دهساله‌ای، که هدف آن، بازسازی و جبران عقب‌ماندگی صنعتی و فناوری و توسعه شهری کنترل شده<sup>۴</sup> بود. در این برنامه، ملی کردن پیش‌بینی نشده بود. نقش دولت در این برنامه دهساله ایجاد انگیزه در بخش خصوصی، جهت‌دهی و کمک به تأمین مالی سرمایه‌گذاری خصوصی بود و نه جایگزینی دولت با آن.

رژیم ویشی مجال نیافت این برنامه را در ظرف زمانی پیش‌بینی شده به‌طور کامل به اجرا بگذارد؛ تصرف پاریس به‌وسیله نیروهای فرانسه آزاد و متفقین و تسلیم آلمان هیتلری به عمر آن پایان داد. با این همه در همان دو سال اجرای برنامه چند پروژه عمرانی بزرگ از جمله: بهره‌برداری رساندن سولونی و کرو،<sup>۵</sup> مقدمات احداث پل تانکارویل،<sup>۶</sup> تونل کروآ - روژ<sup>۷</sup> در لیون و نیروگاه‌های متعدد برق - آبی به بهره‌برداری رسید. به عبارت دیگر تنها «بخش راه‌اندازی» برنامه، برنامه ظرف دو سال به اجرا درآمد. پس از رژیم ویشی ادامه برنامه به‌وسیله دولت دوگل از پاییز ۱۹۴۴ از سر گرفته شد. کمیسیون عمومی برای تجهیزات ملی نیز تقریباً با همان پرسنل مبنای تشکیل کمیساریای برنامه<sup>۸</sup> قرار گرفت.

---

۱. رژیم ویشی - Vichy نامی است که به قوه مجریه دولت فرانسه مستقر در ویشی از ۱۰ اوت ۱۹۴۰ تا اوت ۱۹۴۴، به رهبری مارشال پتن، پس از پیمان ترک مخاصمه رتوند - Rethonde، بین فرانسه و آلمان هیتلری منعقد در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ داده شده است. مطابق این پیمان علاوه بر تحمیلات دیگر دولت ویشی متعهد شد روزانه ۵۰۰ میلیون فرانک برای نگهداری قوای آلمان بپردازد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «پیوست» ذیل جمهوری چهارم.

2. Comité général d'étude du Conseil national de la Résistance

3. Comité Français de la libération Nationale

4. Urbanisation Contrôlée

۵. Sologne: منطقه‌ای در جنوب حوضه پاریسی، بین دره لوآر در جنوب، دره شیر در شرق و تپه‌های سانسه روآ. Crau: جلگه سنگی بوش دو رون - Bouche du Rhône در شرق رود بزرگ Rhône.

۶. Tancarville: پل تانکارویل به درازای ۱۴۵۰ متر هنوز هم یکی از بزرگ‌ترین پل‌های معلق اروپاست.

7. Croix-Rousse à Lyon

۸. Commissariat au plan: پس از شکست آلمان نازی، تصرف پاریس و سقوط دولت ویشی، مارشال پتن، خود را برای محاکمه در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ به نیروهای فرانسه معرفی کرد. دادگاه عالی او را در اوت همان سال به مرگ محکوم کرد، اما این حکم به حبس ابد تخفیف یافت. لاوال و برخی دیگر اعدام شدند. همزمان ژنرال دوگل هیئتی سه نفره متشکل از آندره مالرو، ژان لوکانوئه و ریمون آرون را مسئول بررسی سوابق مسئولان دولت ویشی کرد. این هیئت جز آنها که مستقیماً در جنایت‌های دولت ویشی دست داشتند، بقیه را تبرئه کرد. بنابراین ادامه فعالیت DGEN در چارچوب کمیساریای برنامه با تقریباً همان پرسنل قابل درک است. برای اطلاع بیشتر از اقدامات این هیئت سه نفره، نگاه کنید به: «ریمون آرون، خاطرات - پنجاه سال اندیشه سیاسی»، مشخصات کامل این کتاب در کتاب شناختی آورده شده است.

## ۲-۲. برنامه‌ریزی پس از سال ۱۹۴۵

برنامه‌ریزی فرانسوی کمیساریای برنامه، مانند برنامه‌ریزی در رژیم ویشی، متفاوت از برنامه‌ریزی شوروی، هم دستوری<sup>۱</sup> و هم انگیزشی<sup>۲</sup> است. نقاط اتکای کمیساریای عمومی برنامه<sup>۳</sup> دو نهاد مطالعات آماری و اقتصادی آینده‌نگر است:

- مؤسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی،<sup>۴</sup>

- سرویس مطالعات اقتصادی و مالی وزارت امور مالی.<sup>۵</sup>

عناصری چند از برنامه‌ریزی فرانسوی از تجربه‌ای اصیل از برنامه‌ریزی حکایت دارد. این برنامه‌ریزی شاخص‌ترین جنبه اقدام دولت برای کنترل بازار است، و هم خود را به ارائه اهداف کمی یا کیفی معین، حسب توافق شرکای اجتماعی معطوف و محدود می‌سازد. این برنامه‌ریزی می‌کوشد سرمایه‌گذاری‌ها را به منظور دستیابی به رشد، در بخش‌های مرجح هدایت نماید. برحسب تعریف پی‌یر ماسه،<sup>۶</sup> برنامه را می‌توان از این منظر، یک «کاهش‌دهنده عدم اطمینان‌ها» تلقی کرد.

1. Indicative

2. Incitative

۳. Commissariat général du Plan - کمیساریای عمومی برنامه در ۳ ژانویه ۱۹۴۵ به وسیله ژنرال دوگل به وجود می‌آید. ژان مونه نخستین کسی است که به تصدی چیزی که خود آن را «وظیفه نامعلوم کمیسر برنامه» می‌نامد برگزیده می‌شود و کمیساریای عمومی برنامه متشکل از ۱۶۰ نفر است؛ از آن میان ۲۰ درصد کارمند و ۸۰ درصد مسئول مأمور در امور قراردادهای دوگل کمیساریای عمومی برنامه را مستقیماً وابسته به رئیس دولت می‌سازد. از آن به بعد همواره چنین بوده است، مگر در دوره‌هایی که برنامه جزء وظایف وزیری یا منشی دولتی در می‌آید. پیش‌بینی و تمرکز طی ۴۰ سال هویت اصلی برنامه را تشکیل داده است. تنها پایان یافتن برنامه‌های پنج‌ساله در سال ۱۹۹۲ - این «تعهد سوزان» - بنا به اصطلاح ژنرال دوگل - پایه‌های این هویت را در هم فرو می‌ریزد. در اکتبر ۱۹۸۶ وزیر امور عمومی، برنامه و اقتصاد اجتماعی هروه شارتر - Herve Charette پیشنهاد می‌کند یک کمیساریای استراتژی زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر جایگزین کمیساریای برنامه گردد. پیشنهاد قبول نمی‌شود، اما ایده آن باقی می‌ماند. در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ دومینیک دو ویلپن نخست‌وزیر اعلام می‌کند قصد دارد کمیساریای عمومی برنامه را منحل کرده و یک مرکز تجزیه و تحلیل راهبردی زیر نظر نخست‌وزیر به وجود آورد. ویملپن در ۲۸ اکتبر کمیساریای عمومی برنامه را منحل کند و فرمان ۲۰۰۶ به انحلال کمیساریای عمومی برنامه و جایگزینی مرکز تجزیه و تحلیل رسمیت می‌بخشد.

4. Institut National de la Statistique et des Études Économiques (INSEE)

5. SEEF

۶. Pierre Massé (۱۸۸۸-۱۹۸۷) مهندس و اقتصاددان فرانسوی، مدیر تجهیزات (۱۹۶۶-۱۹۸۵)، سپس رئیس برق فرانسه (۱۹۶۵-۱۹۶۹). کمیسر عمومی برنامه تجهیزات و بهره‌وری (۱۹۵۹-۱۹۶۶). او کوشید براساس مفهوم «بهینگی پارتو» قواعد عملی برای جهت‌دهی سیاست اقتصادی ارائه دهد (انتخاب‌های سرمایه‌گذاری، برنامه یا ضدتصادف).



### ۳. برنامه‌ریزی در کشور فرانسه

#### ۳-۱. نگاهی کلی به برنامه‌ها

#### برنامه اول مدرنیزاسیون و تجهیز (۱۹۴۷-۱۹۵۰)

اولین برنامه فرانسه برای اجرا در یک دوره چهار ساله تهیه شد. هدف اصلی برنامه اول ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم و نوسازی اقتصاد فرانسه بود. این برنامه، نخست برای دوره چهارساله (۱۹۴۷-۱۹۵۰) در نظر گرفته شده بود، اما با پیش آمدن طرح مارشال، جهت بهره‌مندی بهتر فرانسه از اعتبارات طرح یاد شده، این برنامه تا پایان طرح مارشال (سال ۱۹۵۳)، تمدید شد. در این برنامه، اولویت با اقدام‌هایی بود که تنگناهای به‌جا مانده از جنگ را از میان برمی‌داشت. در برنامه نخست فرانسه، تحلیل‌های اقتصادی کلان (ماکرو) و تحلیل‌های اجتماعی (به‌استثنای امحای بیکاری) جایی نداشت. با توجه به میزان تحقق هدف‌های کمی برنامه در مجموع می‌توان نتیجه اجرای برنامه اول را حدود ۹۰ درصد و رضایتبخش ارزیابی کرد.

#### هدف برنامه

هدف اصلی برنامه مدرنیزاسیون و تجهیزات ۱۹۴۷-۱۹۵۰<sup>۱</sup> عمدتاً عبارت است از:

- حصول اطمینان از ارتقای سریع سطح زندگی مردم و به‌ویژه تغذیه آن،
- مدرن کردن و تجهیز فعالیت‌های پایه (زغال‌سنگ، برق، فولاد، سیمان، ماشین‌آلات کشاورزی و حمل‌ونقل)،
- مدرنیزاسیون کشاورزی،
- اختصاص حداکثر امکانات به بازسازی با توجه به نیازهای فعالیت‌های پایه و مدرن کردن صنعت مواد ساختمانی، مصالح خانه‌سازی و فعالیت‌های عمرانی،
- مدرن کردن و توسعه صنایع صادراتی برای اطمینان از دستیابی به تعادل در موازنه حساب‌ها در سال ۱۹۵۰.
- بدین ترتیب پایه حرکت به‌سوی تغییر شرایط زندگی و به‌ویژه بهبود وضع مسکن، در مرحله دوم گذاشته می‌شود.

#### برنامه اول یا برنامه مونه (۱۹۴۶-۱۹۵۲)

اولین برنامه مدرنیزاسیون و تجهیز در حافظه جمعی فرانسوی‌ها، به‌عنوان برنامه‌ای ثبت شده، که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم «دو راهه مدرنیزاسیون یا انحطاط» را، با عدد و رقم، در قالب

1. Le plan de modernisation et d'équipement, 1947-1950.

اقدامات عینی و مشخص، تعیین کرده است.

اهداف این برنامه پاسخگویی وضعیت فرانسه در تأخیر اقتصادی و کمیابی است: راه‌اندازی دوباره دستگاه تولیدی و تأمین نیازهای اساسی جمعیت، ارتقای «سطح زندگی و بهبود شرایط مسکن و زندگی جمعی»، «برنامه، بازسازی آلات و ادوات و ماشین‌ها و تجهیزات عمومی و خصوصی آسیب‌دیده یا ویران شده ناشی از حوادث جنگ را نیز دربر می‌گیرد». این برنامه به شکلی کاملاً گزینشی بر ۶ بخش پایه‌ای متمرکز گشته است: زغال‌سنگ، برق، سیمان، ماشین‌آلات کشاورزی، حمل‌ونقل و فولاد. با توجه به شمار معدود اهداف انتخابی و یک رأی و اتفاق آرا حول آنها، برنامه اول به خوبی تحقق یافته است. برنامه به رؤسای بنگاه‌ها، بی‌آنکه ابتکار بخش خصوصی را از آنها سلب کند، جان تازه‌ای می‌دمد. جایگاه دولت در نظام تولیدی که از طریق ملی کردن‌های پس از جنگ و کنترل قیمت‌ها تقویت می‌شود، کنترل دولت بر تحولات اقتصادی را تسهیل می‌کند. برنامه مارشال به تحقق برنامه مونه، از طریق تأمین مالی بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری در بخش‌های پایه کمک می‌کند.

مدت اولیه برنامه، برای ایجاد هماهنگی بین دو تقویم تا سال ۱۹۵۲ تمدید می‌شود.

### برنامه دوم (۱۹۵۴-۱۹۵۷) یا برنامه هیرش

برنامه دوم با سال‌های آخر جمهوری چهارم<sup>۱</sup> انطباق دارد. این برنامه کماکان در زمینه تولید با اهداف کمی همراه است، تعداد بخش‌هایی که در این برنامه مد نظر قرار گرفته افزایش یافته است. برنامه‌ریزی به حیطه سرمایه‌گذاری‌های عمومی، به‌ویژه، به تجهیزات آموزشی و بیمارستانی تسری می‌یابد. پروژه‌های چندساله، نه بنا بر تقاضای وزرای ذیصلاح، بلکه به ابتکار مدیر بودجه، که با انباشت تقاضای اعتبارات مواجه است و دغدغه تعریف ارجحیت‌ها را دارد، برقرار و آغاز می‌شود.

در برنامه دوم (۱۹۵۴-۱۹۵۷) علاوه بر «تولید بیشتر» شعار «تولید بهتر» یعنی؛ بهبود کیفیت تولید و سودآوری هم در دستور برنامه قرار گرفت. هدف کمی برنامه دستیابی به رشد ۴/۴ درصد

۱. جمهوری چهارم: رژیم فرانسه از سال ۱۹۴۴ تا اکتبر ۱۹۵۵. این رژیم اگرچه رسماً اعلام نشده بود، اما با فرمان ژنرال دوگل، که به دولت فرانسه (حکومت ویشی) پایان داد، به کمیته‌های فرانسوی آزادی ملی نام دولت موقتی جمهوری فرانسه را داد. در طی این مرحله انتقالی (دولت انتقالی جمهوری فرانسه، مجلس مؤسسان ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶) قانون اساسی جمهوری چهارم به تصویب رسید و برای قوه مقننه (شورای جمهوری و به‌ویژه مجلس نمایندگان) جایگاهی به مراتب مهم‌تر از قوه اجرایی داد. این دولت موقتی با انتخاب اولین رئیس‌جمهور جمهوری چهارم به پایان رسید. شورش الجزیره پایتخت الجزایر، در ماه مه ۱۹۵۸ ناقوس مرگ جمهوری چهارم را به صدا درآورد. در اوضاع و احوالی تهدیدکننده، کابینه متزلزل Pflimlin استعفا داد و آقای کوتی-Coty رئیس‌جمهور برای «سروسامان دادن دوباره به وضعیت» دست به دامن ژنرال دوگل شد. وی در اول ژوئیه کابینه‌ای تشکیل داد و از اکتبر ۱۹۵۸ قانون اساسی جمهوری پنجم را به تصویب رساند.



تولید ناخالص ملی در سال بود که در عمل به نرخ رشد ۵/۲۱ درصد در سال در طول برنامه رسید که فراتر از هدف برنامه بود.

از آغاز برنامه دوم، برنامه‌ریزی، دستیابی به کارایی هرچه بیشتر منابع و نیروی انسانی - تحقیقات و توسعه، سازماندهی بازارهای کشاورزی، تغییر کاربری فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها و بازآموزی حرفه‌ای نیروی کار، بهره‌وری - را جایگزین بخش‌های پایه می‌کند.

برنامه دوم که با تأخیری دوساله به شکل قانون به تصویب می‌رسد، به‌رغم مشکلات حاد مالی به علت جنگ الجزایر، به شکلی قابل قبول دنبال می‌شود. اجرای این برنامه با کسری رو به تزايد خارجی تا ژانویه ۱۹۵۸ به پایان می‌رسد، دولت فرانسه مجبور می‌شود یکبار دیگر ژان مونه را برای تحصیل یک کمک فوری ۶۰۰ میلیون دلاری به واشنگتن اعزام دارد.

### برنامه سوم (۱۹۵۸-۱۹۶۱)

برنامه سوم (۱۹۵۸-۱۹۶۱) جهت تأمین کار برای جویندگان کار (نسل جوانی که پس از جنگ جهانی دوم متولد شده بودند) و رقابتی کردن اقتصاد فرانسه در عرصه بازار مشترک اروپایی (پیمان رم - ۱۹۵۸) و افزایش سطح تراز تجاری به ۳۰۰ میلیون دلار بود. هدف کمی برنامه دستیابی به رشد ۲۷ درصد تولید ناخالص ملی در افق برنامه (۶/۴ درصد در سال) انتخاب شده بود که دستاورد برنامه تقریباً در همان حدود برآورد شده است.

برنامه سوم، رشد اقتصادی را در اوضاع و احوالی که زیر تأثیر سه داده اصلی تغییر یافته بود، دنبال می‌کند:

- گشایش مرزها و ورود فرانسه به بازار مشترک (پیمان رم، ۱۹۵۸)،

- گسترش جنگ الجزایر و تنش‌های تورمی همراه آن،

- ورود قریب‌الوقوع جوانان به سنین کار، که در انفجار زادوولد پس از جنگ به دنیا آمده بودند.

تدوین برنامه سوم، بنا به خواست ژنرال دوگل در اصلاح کشور و دولت، از دو تغییر معنادار دیگر نیز متأثر است: اول، استفاده از زبان حسابداری ملی برای تبیین هدف رشد تولید ناخالص داخلی و نیز آزمون ارتباط درون ذات ارقام برنامه؛ سپس داخل کردن یک بُعد آینده‌نگر به لطف ارائه تصویرهای بلندمدت (۱۹۵۵-۱۹۶۵) در کارهای برنامه‌ریزی.

برنامه تثبیت ژاک روئوف<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۸ از ویژگی‌های اجرای برنامه سوم است.

۱. plan de stabilisation Rueff ژاک روئوف، اقتصاددان و کارشناس مالی فرانسه (پاریس ۱۸۹۶-پاریس ۱۹۷۸). وی مأموریت‌های متعدد مالی را برعهده داشت. از نمایندگان نخله نئولیبرالیسم بود و بر ضرورت سازماندهی رقابت و به‌ویژه ضرورت استقرار دوباره پایه طلا و ارزشگذاری تازه طلا برای اصلاح مشکلات مالی بین‌المللی تأکید داشت. از آثار اوست: بیمه و بیکاری؛ علت بیکاری پایدار - ۱۹۲۵؛ تئوری پدیده‌های پولی - ۱۹۲۷؛ نظم اجتماعی - ۱۹۴۵، خدایان و شاهان - ۱۹۶۷، عضو آکادمی فرانسه - ۱۹۶۴.

بهبودی سریع‌تر از آن صورت می‌گیرد، که پیش‌بینی شده بود، اما به قیمت کندی رشد، که بخش بزرگی از آن با برنامه موقتی ۱۹۶۰-۱۹۶۱ ترمیم می‌گردد.

### برنامه چهارم (۱۹۶۲-۱۹۶۵)

در برنامه چهارم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) علاوه بر هدف گسترش تولید، نوسازی و اولویت سرمایه‌گذاری‌ها، آرمان توزیع ثمره‌های رشد در سطح ملی ازسویی و آمایش سرزمین و اقدام‌های منطقه‌ای ازسوی دیگر هم پدیدار می‌شود. هدف کمی برنامه دستیابی به رشد ۲۴ درصد در افق برنامه انتخاب شده بود که در عمل به‌طور تقریبی محقق شد. مقایسه رشد اقتصادی در دو برنامه سوم و چهارم نشان از کند شدن عملکرد اقتصاد فرانسه و کم‌اثر شدن برنامه دارد.

در حول و حوش سال ۱۹۶۰ اقتصاد فرانسه به‌وضوح وارد یک نظام رشد پایدار می‌شود و فرانسه از وضعیت کمیابی به وضعیت فراوانی نسبی می‌رسد؛ مصرف انبوه شکل می‌گیرد. در شرایط تازه اقتصادی به‌کارگیری اصول اصیل برنامه‌ریزی افزایش می‌یابد. دیگر مسئله تنها این نیست که تولید به سمت بخش‌های مرجح سوق داده شود، بلکه این است که بهترین شرایط ممکن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ملت تأمین گردد. بدین ترتیب برنامه چهارم مدرنیزه کردن بخش‌هایی که «تأخیردار» محسوب می‌شدند (بخش هتلداری، بزرگراه‌ها، مخابرات و ارتباطات راه دور، آموزش ملی) را مد نظر قرار می‌دهد.

بدین ترتیب برنامه‌ریزی دستوری<sup>۱</sup> می‌شود. این برنامه اهدافی را تعیین می‌کند که تحقق آن دیگر تنها به دولت بستگی ندارد. اگرچه رهیافت بیشتر کلان اقتصادی می‌گردد، با این‌حال بُعد اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. قانون ۴ اوت ۱۹۶۲ ناظر به تصویب برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی، برای اولین بار اشکال تصویب لایحه قانونی برنامه به‌وسیله پارلمان را ارائه می‌دهد. این قانون در مورد برنامه چهارم که در تاریخ برنامه‌ریزی فرانسه مرحله‌ای مثال‌زدنی است به‌کار برده می‌شود.

تدوین برنامه چهارم از شرایط مساعدی بهره‌مند می‌شود: معرفی شخصیت تازه‌ای برای کمیسر عمومی برنامه، پی‌یر ماسه،<sup>۲</sup> اوضاع و احوال اقتصادی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۲ و سروسامان گرفتن رشد اقتصادی جهانی، دلبستگی ژنرال دوگل و دولت به «الزام عملی» نسبت به برنامه‌ریزی، تعیین انتخاب‌های سیاست اقتصادی و تأیید آنها به‌وسیله دولت، نوآوری‌های راه‌یابی به تحکیم فضای تفاهم حول برنامه، تشکیل شورای عالی برنامه،<sup>۳</sup> مشورت با شورای اقتصادی و اجتماعی در

1. Indicative

۲. Pierre Massé: مهندس و اقتصاددان فرانسوی (۱۸۸۷-۱۹۹۸). مدیر تجهیزات (۱۹۵۹-۱۹۶۶)، سپس رئیس برق فرانسه (۱۹۶۵-۱۹۶۹)، کمیسر کل برنامه تجهیزات و بهره‌وری (۱۹۵۹-۱۹۶۶). وی کوشید از مفهوم بهیمنی پارتویی قواعدی عملی برای جهت‌دهی به سیاست اقتصادی استخراج کند و از آثار اوست (گزینش سرمایه‌گذاری، برنامه یا ضدتصادف).

3. Conseil supérieur du Plan



مورد جهت‌گیری‌های بزرگ، ادغام کنفدراسیون عمومی کار<sup>۱</sup> در کمیسیون‌های مدرنیزاسیون.

برنامه چهارم حول سه هدف زیر دور می‌زند:

- رشد قابل اطمینان با نگاه به تعادل‌های بزرگ،

- افزایش دو برابر سریع‌تر تجهیزات جمعی از رشد تولید ناخالص داخلی،

- کوشش برای اصلاح نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای. توجه به مسائل توزیع ثمرات

توسعه یا به زبان پی‌یر ماسه «تقسیم مازاد» و به‌ویژه توجه به سهمی که در مجموعه مخارج مصرفی، باید به خدمات جمعی اختصاص یابد.

بدین ترتیب برنامه چهارم از تمام برنامه‌های فرانسه تا آن وقت از همه بهتر اجرا شد. با

این‌حال، در این دوره به دو رویداد باید اشاره کرد: شکست کنفرانس درآمدها<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۴ و در همین سال، آغاز کاهش نرخ باروری در فرانسه.

### برنامه پنجم (۱۹۶۶-۱۹۷۰)

برنامه پنجم (۱۹۶۶-۱۹۷۰) برخلاف برنامه‌های گذشته که چهارساله بودند، برای پنج سال تهیه شد تا خاتمه آن مصادف با آغاز کامل کار «بازار مشترک اروپا» باشد و چون بر اثر این تحول قرار بود حمایت‌های گمرکی از تولیدات داخلی برداشته شود، مهمترین هدف برنامه، افزایش توان رقابتی اقتصاد فرانسه با سایر کشورهای بازار مشترک بوده است و مأموریتی که برعهده برنامه پنجم گذاشته شده، جهش در رشد سریع صنعت و پیشرفت اجتماعی از طریق توسعه تجهیزات جمعی، در شرایط رقابت فزاینده به علت گشایش مرزهاست. افزایش توان رقابتی دستگاه تولیدی، کنترل تحولات درآمدها و قیمت‌ها به نخستین دل‌نگرانی تبدیل می‌شود.

هدف کمی برنامه پنجم دستیابی به رشد ۵ درصد در سال انتخاب شده بود، اما عملکرد

برنامه در حد انتظار نبود و همچنین برنامه موفق به دستیابی کامل اهداف کمی انتخاب شده نیز نشد. این برنامه برای قیمت‌ها و سطح دستمزدها معیارهای دستوری تعیین می‌کند تا مانع گرایش‌های تورمی گردد. نگرانی از فشار بر اقتصاد باعث می‌شود که نرخ رشد اندکی کمتر از نرخ رشد برنامه چهارم تعیین گردد.

رویدادهای ماه مه ۱۹۶۸ در اجرای برنامه پنجم ایجاد اختلال می‌کند. اگرچه رشد دچار آسیب

نمی‌شود، اما قیمت‌ها از کنترل خارج می‌شود و در تجهیزات جمعی وقفه ایجاد می‌گردد. به‌نظر می‌رسد که عملکرد اقتصاد فرانسه به علت ضعف نظام حرفه‌ای و نیز ناکارایی مدیریت روابط اجتماعی در بنگاه‌ها با محدودیت مواجه می‌شود.

1. Confédération General du Travail (GGT)

2. Conférence des Revenus

**برنامه ششم (۱۹۷۱-۱۹۷۵)**

برنامه ششم (۱۹۷۱-۱۹۷۵) جهت ایجاد رشد سریع اقتصاد (رشد ۵/۶ تا ۶ درصد در سال)، افزایش توان رقابتی، تعادل ارزی، پولی و ثبات نسبی قیمت‌ها (رشد قیمت‌ها کمتر از ۳/۲ درصد در سال) تهیه شده و اولویت در آن به بخش صنعت داده شده بود. دوران اجرای برنامه ششم با شوک نفتی سال ۱۹۷۳ مصادف شد و برنامه در اجرا با مشکلاتی روبرو و در دستیابی به اهداف تعیین شده، ناکام ماند. برنامه ششم، برنامه آمریت صنعتی است. این آمریت برای مواجهه با رقابت بین‌المللی و تقسیم جهانی کار رو به تزاید است، این خود تجدید ساختار صنعت فرانسه را الزامی می‌سازد.

همزمان و به موازات آن، برنامه باید فاکتورهای ساختاری‌ای که عملکرد اقتصاد فرانسه را محدود می‌سازد مورد توجه قرار دهد: اهمیت نسبی جمعیت روستایی، ضرورت اصلاح مدیریت روابط اجتماعی در بنگاه‌ها، کمبود مسکن که سدی بر تحرک حرفه‌ای است. در این برنامه، برای نخستین بار مفهوم تابع جمعی پدیدار می‌شود که میدان برنامه‌ریزی تجهیزات جمعی را وسیع‌تر می‌سازد.

بدین ترتیب برنامه ششم جهت‌گیری‌های بزرگ مورد علاقه پرزیدنت ژرژ پمپیدو<sup>۱</sup> - رشد مطمئن و آمرانه صنعتی - با نرخ پایین تورم، رشد سریع‌تر تجهیزات جمعی نسبت به رشد تولید و بهبود شرایط زندگی را توأمان مد نظر قرار می‌دهد.

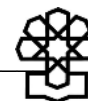
اما تکانه نخست نفتی سال ۱۹۷۳ نرخ رشد کشورهای عضو OECD را به نصف تقلیل می‌دهد و در واقع اجرای برنامه ششم در عمل با مانع مواجه می‌شود.

**برنامه هفتم (۱۹۷۶-۱۹۸۰)**

برای برنامه هفتم (۱۹۷۶-۱۹۸۰) با توجه به وضعیتی که پس از شوک نفتی سال ۱۹۷۳ برای اقتصاد فرانسه پیش آمد و به‌منظور مبارزه با بیکاری، دستیابی به هدف کمی رشد سالیانه ۵/۵ تا ۶ درصد در تولید ناخالص ملی انتخاب شد. ارزیابی‌ها نشان از آن دارد که دستاورد برنامه هفتم تقریباً در همه زمینه‌ها کمتر از اهداف انتخاب شده بوده است.

مشکل پیش‌بینی آینده و بحران‌های بزرگ که در عرصه بین‌المللی پدید می‌آید و فرانسه نیز به‌تدریج بیشتر در آن فرو می‌رود - تکانه‌های نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ افزایش‌های ناگهانی قیمت‌های نفت و تغییرات نرخ دلار - برنامه‌ریزی را مشکل‌تر می‌سازد. دوره‌ای که با برنامه هفتم آغاز می‌شود برنامه‌ریزی را واقعاً زیر سؤال می‌برد. برنامه در شرایط رشد جهانی بسیار کندی آماده می‌شود. سناریوهای اوضاع بین‌المللی اولیه بسیار بدبینانه ارزیابی می‌شود، از این‌رو به نحوی

۱. George Pompidou دولتمرد فرانسوی (۱۹۱۱-۱۹۷۴) نخست‌وزیر در ریاست‌جمهوری ژنرال دوگل و رئیس‌جمهور پس از او از



اصلاح می‌گردد که اهداف رشد و اشتغال رضایتبخش‌تری مد نظر قرار بگیرد. برعکس، خصلت تصادفی اوضاع و احوال اقتصادی بیرونی، در مورد تجهیزات جمعی که برای آن ۲۵ برنامه عمل اولویت‌دار<sup>۱</sup> به مبلغ ۱۱۰ میلیارد فرانک در نظر گرفته می‌شود، در بودجه هر وزارتخانه جداگانه و مورد به مورد منظور می‌گردد. کمیساریای عمومی برنامه در حین اجرای برنامه، درباره سازگاری برنامه هفتم گزارشی تدوین می‌کند. در این گزارش‌ها موضوعاتی مطرح می‌شود که برنامه‌های بعدی به آنها می‌پردازند. این موضوعها عبارتند از: رقابتی کردن صنعت در عرصه جهانی و مبارزه علیه شکنندگی مالی بنگاه‌ها.

### برنامه هشتم (۱۹۸۱-۱۹۸۵)

در برنامه هشتم (۱۹۸۱-۱۹۸۵) نیز، همانند برنامه ششم، اولویت بخش صنعت با تکیه خاص بر زیربخش‌هایی با تکنولوژی برتر، از نو مطرح شد. نکته جالب آنکه برنامه هشتم فاقد هدف کمی رشد تولید ناخالص ملی است. برنامه هشتم با تغییر دولت، در سال ۱۹۸۳ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. وقتی میشل آلبر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۸ کمیسر برنامه می‌شود توضیح می‌دهد که بحران اقتصادی «وقفه‌ای در اوضاع و احوال» نیست، بلکه «یک بریدگی ساختاری» است. وی بر فشار محدودیت‌ها و تبعات آن تأکید می‌کند و بر آن است که اگرچه ناخوشایند، اما این وظیفه ناخوشایند برنامه‌ریزی است که به یاد آورد که همه چیز، همزمان ممکن نیست، اما فرض‌هایی که مبنای ارائه تصویرهای منتخب قرار می‌گیرد، می‌کوشد اثر تکانه نفتی را زایل سازد.

برنامه هشتم پس از مشاوره با دو کارشناس خارجی، پروفیسور واسیلی لئونتیف و سِر اندریو شونفلد<sup>۳</sup> تهیه می‌گردد و مشخصه آن استفاده از یک الگوی تازه کلان اقتصادی، الگوی DMS به‌عنوان ابزار تدوین یک سیاست اقتصادی حول محور اشتغال با در نظر گرفتن محدودیت‌های خارجی است. گونه‌های متفاوت ممکن سیاست اقتصادی به‌وسیله رایانه مطالعه و بررسی می‌شود، چیزی که پی‌یرماسه آن را «ریاضیات در خدمت دمکراسی» می‌نامد.

نگرانی از تکرار وعده‌های به دور از احتیاط برنامه هفتم باعث می‌شود که تمام اهداف کمی در برنامه هشتم حذف گردد. به تقاضای کمیسر برنامه، دولت همچنین - برخلاف برنامه‌های قبلی - تصویر مرکزی را نیز مسترد می‌دارد. سناریوهای متعددی برحسب فرضیه‌های گوناگون درباره اوضاع بین‌المللی تدوین می‌گردد. سرانجام آنکه برنامه هشتم به پارلمان ارائه نمی‌شود و تغییر اکثریت اجرای آن را معلق می‌گذارد.

---

1. Programmes d'actions prioritaires (PAP)  
2. Michel Albert  
3. Wassily Leontief & Sir Andrew Shonfield

## برنامه نهم (۱۹۸۴-۱۹۸۸)

عنوان برنامه نهم (۱۹۸۴-۱۹۸۸) از «توسعه اقتصادی» به «برنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» تغییر یافته و هدف اصلی آن نیز از «رشد کمی اقتصادی» در برنامه‌های قبلی به «دگرگونی جامعه» تحول پیدا کرد. از جمله ۱۲ هدف اجتماعی این برنامه می‌توان به «نوسازی نظام آموزشی و تربیت جوانان، گسترش پژوهش و نوآوری، گسترش صنایع ارتباطی، کاهش وابستگی به واردات انرژی، توسعه اشتغال، فروش بهتر محصولات فرانسوی در داخل کشور، تأمین محیط مساعد برای خانواده و باروری، پیشرفت در امر تمرکززدایی، بهتر زیستن در شهرها، نوسازی و بهبود مدیریت نظام درمانی و بهبود سیستم دادگستری و امنیت» اشاره کرد. ارزیابی عملکرد برنامه نهم به دلیل انتخاب اهداف کیفی و خلأ شاخص‌های اندازه‌گیری، تقریباً ناممکن است.

پس از انتخاب فرانسوا میتران به ریاست جمهوری در مه ۱۹۸۱، دولت پی‌یر موراً<sup>۱</sup> درصد بر می‌آید به اصل برنامه‌ریزی ضمن متحول کردن روش‌های آن، اعتبار دوباره‌ای بخشد. برنامه موقتی (۱۹۸۲-۱۹۸۳)، برنامه راه‌اندازی اقتصاد از طریق تشویق مصرف، موفقیت مورد انتظار را به دنبال نمی‌آورد. قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ متضمن رفرم برنامه‌ریزی، با ترکیب یک کمیسیون ملی برنامه‌ریزی، متشکل از ۸۰ عضو، تدوین یک برنامه دو مرحله‌ای، برنامه‌های در اولویت اجرا،<sup>۲</sup> وارث برنامه‌های عمل اولویت‌دار (PAP) و قراردادهای برنامه بین دولت و مناطق،<sup>۳</sup> بین دولت و بنگاه‌های عمومی، یک مکانیسم نهادی پیچیده را پیاده می‌کند.

با این حال تکنیک برنامه پنج‌ساله با افق ثابت حفظ می‌شود، اما به شیوه غیرمتمرکز و قراردادی، که به مناطقی که بر مبنای قانون عدم تمرکز در اجرای توسعه منطقه‌ای مناسب تشخیص داده شده‌اند، نقش بیشتری واگذار می‌شود. روابط بنگاه‌های بزرگ عمومی با دولت در چارچوب کنوانسیون‌ها و قراردادهای چندساله تدوین می‌گردد.

قراردادهای منعقد برنامه بین دولت و مناطق بر اساس قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ ناظر به اصلاح برنامه‌ریزی، فرمان ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳ اصل محکمی را پایه‌گذاری می‌کند: اصل مشارکت دولت و Collectivités territoriales<sup>۴</sup> در امر برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین.

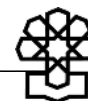
پس از اتخاذ سیاست ریاضتی، برنامه نهم مبارزه با تورم از طریق کنترل هزینه‌های دستمزد را هدف قرار می‌دهد، افزایش خالص دستمزدها، باید در سطح زیر رشد بهره‌وری حفظ شود. نرخ سرمایه‌گذاری باید به سطح پیش از سال ۱۹۷۵ بازگردد، عقب‌ماندگی فناوری در صنایع رقابتی باید

۱. François Mitterrand: رئیس‌جمهور سوسیالیست فرانسه از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵، Pierre Mauroy

۲. Programmes prioritaires d'exécution (PPE)

۳. Contrats de Plan signés entre l'État et les Régions

۴. Collectivités Territoriales: واحدهای تقسیم‌بندی کشوری اعم از شهر، استان و منطقه، که از شخصیت حقوقی برخوردار باشند.



جبران گردد. گزینه گشایش مرزها، با حفظ فرانک در نظام پولی اروپا تأیید می‌شود. اصلاح وضع مالی بنگاه‌ها در ارجحیت قرار می‌گیرد.

### برنامه دهم (۱۹۸۹-۱۹۹۲)

دوره برنامه دهم (۱۹۸۹-۱۹۹۲) به دلیل آغاز کار بازار واحد (مشترک) اروپایی، چهارساله انتخاب شد تا خاتمه برنامه در سال ۱۹۹۲ باشد. در برنامه دهم برای روشن کردن وضع آینده در بلندمدت از گزارش «ورود به قرن بیست و یکم» استفاده شده است. برنامه کمتر به پیش‌بینی‌های کمی می‌پردازد و بیشتر در فکر گام‌های مهمی است که باید در دوران برنامه برداشته شود. جهت‌گیری برنامه از نوع ساختاری و هدف‌های انتخاب شده بیشتر از نوع کیفی است. از جمله آنها می‌توان به دستیابی به سطح بالای اشتغال، جستجوی همبستگی اجتماعی و انطباق با وضع بازار بزرگ اروپا را نام برد.

در برنامه دهم، اوضاع و احوال بین‌المللی مؤثر بر برنامه همان اندازه مطرح است که در برنامه مونه مطرح بود: افق برنامه که باید سال ۱۹۹۳ باشد، به علت شروع اجرایی شدن بازار واحد،<sup>۱</sup> سال ۱۹۹۲ تعیین می‌گردد. بررسی تأثیرات کلان اقتصادی بر اساس سناریوی مطالعه‌ای است که کمیسیون اروپایی برای دوره ۱۹۸۸-۱۹۹۲ انجام داده است.

در برنامه دهم به هر سه وظیفه برنامه‌ریزی توجه شده است. نخست روشن کردن وضع آینده. برای بلندمدت، با گزارش «ورود به قرن بیست و یکم» گروه آینده‌نگری افق ۲۰۰۰. برای میان‌مدت، گروه چشم‌اندازهای اقتصادی، با اکیپ‌های گوناگون و مؤسسات پیش‌بینی، اعم از عمومی و خصوصی، با همکاری کارشناسان جامعه اقتصادی اروپایی<sup>۲</sup> و سازمان همکاری توسعه اقتصادی.<sup>۳</sup>

ماهیت برنامه که از آن به بعد «راهبردی» توصیف می‌شود تغییر می‌کند. اکنون، تعیین مجموعه‌ای از اقدام‌های اصلی که در دوره برنامه باید به اجرا گذاشته شود، بیش از پیش‌بینی مورد توجه قرار می‌گیرد.

اعتبار تعهدات برنامه در قیاس با برنامه‌های گذشته، ویژگی‌های متفاوتی دارد. اعتبار این تعهدات، پس از محور PPE و PAP در بخش برنامه‌ریزی شده<sup>۴</sup> اینک کمتر از قبل است و در بخش

۱. Marché unique: نگاه کنید به توضیحات CEE.

۲. Communauté Économique Européenne (CEE): جامعه اقتصادی اروپا یا بازار مشترک. نهادی که براساس معاهده رم در ۲۵ مارس ۱۸۵۷ به وجود آمد. عضوهای اولیه آن بلژیک، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند بودند و انگستان، ایرلند و دانمارک در سال ۱۹۷۳ بدان پیوستند. یونان در سال ۱۹۸۱ و اسپانیا و پرتغال نیز در سال ۱۹۸۸ بدان ملحق شدند. این جامعه باید از راه گردش آزاد کالاها و اتخاذ سیاست مشترک در زمینه‌های اقتصادی و مالی به یک اتحادیه گمرکی دست یابد. فعالیت این جامعه به ایجاد بازار بزرگ واحد اروپایی در سال ۱۹۹۳ انجامید.

3. OCDE or OECD

4. Partie Programmée

قراردادی، با قراردادهای برنامه دولت - مناطق،<sup>۱</sup> در آنجا که برنامه‌ریزی مالی<sup>۲</sup> رعایت شده، از قوت بیشتری برخوردار است. ارزش این تعهد در جهت‌گیری‌های ساختاری و اهداف کیفی آنهاست: نیل به سطح بالایی اشتغال، جستجوی انسجام اجتماعی، سازگاری با بازار بزرگ اروپایی.

برای نسل دوم قراردادهای برنامه (۱۹۸۹-۱۹۹۳) سه رهنمود به‌دنبال بهبود تجربه نسل اول (۱۹۸۴-۱۹۸۸) است: دستیابی به گزینشی بهتر، روش‌های اجرایی ساده‌تر، تعمیق عدم تمرکز، با ایفای نقش مهمتر فرماندار منطقه. همزمان بسیاری از مناطق دست به مطالعات میان‌مدت و بلندمدت می‌زنند، که به برنامه‌های توسعه می‌انجامد (بروتانی، لیموزن، رون - آلپ، و نرماندی سفلی).<sup>۳</sup>

تأمین مالی قراردادهای برنامه ۲۵ درصد افزایش می‌یابد (۵۲ میلیارد فرانک برای دولت و ۴۶ میلیارد فرانک برای مناطق). اقدامات اولویت‌دار دولت به سود دو گروه از منطقه می‌شود، مناطقی که مشکلات کاربری صنعتی دارند - نظیر لورن، شمال یا شامپانی - آردن<sup>۴</sup> - و مناطقی که در آنها شکل روستایی غالب است نظیر اُورنی یا پوآتو شارانت.<sup>۵</sup>

مسئولان دولتی در فرانسه متوجه منافع و اهمیت ارزیابی که در کشورهای انگلوساکسن پیشرفته‌تر است می‌شوند. این ارزیابی، اطلاعات لازم برای ارزیابی شهروندان از آثار سیاست‌های عمومی را در اختیار آنها قرار می‌دهد، تخصیص بهتر منابع را ممکن می‌سازد و کارگزاران دولت را پاسخگو می‌سازد.

مضمون فرمان ۲۲ ژانویه ۱۹۹۰ این است که «آیا ابزار قضایی، اداری و مالی به‌کار گرفته شده اثرات قابل انتظار از اجرای یک سیاست و حصول به اهداف مورد نظر را ممکن می‌سازد». این فرمان یک نهاد ارزیابی بین‌وزارتی، متشکل از کمیته ارزیابی بین‌وزارتی<sup>۶</sup> به ریاست نخست‌وزیر و شورای علمی ارزیابی<sup>۷</sup> متشکل از یازده شخصیت مستقل را به‌وجود می‌آورد که تمام مطالعاتی که بتوانند از صندوق ملی توسعه ارزیابی<sup>۸</sup> تغذیه کنند، ضرورتاً باید با این شخصیت‌ها مشورت نماید.

۱. یک قرارداد پروژه‌های دولت - منطقه یا قرارداد پروژه دولت - منطقه (CPER) سندی است که برطبق آن دولت و یک منطقه بر سر برنامه‌ریزی و تأمین مالی چندساله پروژه‌های مهم نظیر ایجاد زیرساخت‌ها یا پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی بالادستی و پایین‌دستی در آینده به توافق می‌رسند. این قراردادها هفت‌ساله است و جایگزین قراردادهای برنامه‌ای می‌شود که برطبق قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ به‌دنبال رفرم در برنامه‌ریزی در دوره میشل روکار به‌وجود آمد. دبیرکل در امور منطقه‌ای به نمایندگی دولت، مع‌الواسطه فرماندار منطقه با قدرت اجرایی منطقه بر سر اجرای پروژه‌های آمایش سرزمینی منطقه و بر سر سهم هریک از طرفین در تأمین مالی به توافق می‌رسند.

2. Programmation Financière

3. Bretagne, Limousin, Rhône-Alpes et Basse-Normandie

4. Lorraine, Nord ou la Champagne-Ardenne

5. Auvergne, Poitou-Charentes

6. Comite Interministériel de l'Évaluation (CIME)

7. Conseil Scientifique de Évaluation (CSE)

8. Fonds National de développement de l'évaluation



### از پروژه برنامه یازدهم تا بازنویسی برنامه (۱۹۹۲-۲۰۰۶)

برنامه یازدهم (۱۹۹۳-۱۹۹۷) برای افق ۱۹۹۷ تهیه شده بود ولی دولتی که پس از انتخابات قوه مقننه در سال ۱۹۹۳ سرکار آمد، از پذیرش برنامه سر باز زد و حاضر به به‌کارگیری مکانیسم برنامه جهت هدایت اقتصاد ملی نشد. بدین ترتیب مکانیسم برنامه‌ریزی و هدایت اقتصاد ملی به کمک برنامه در فرانسه کنار گذاشته شد. لازم به‌ذکر است که برنامه‌ریزی در فرانسه به کلی از بین نرفت. پس از کنار گذاشتن برنامه در سطح ملی، نسل سوم قراردادهای برنامه‌های یعنی دولت - مناطق (۱۹۹۴-۱۹۹۸) پا به عرصه وجود گذاشت. همزمان رؤسای شوراهای منطقه‌ای دعوت می‌شدند که با هماهنگی با دست‌اندرکاران و بازیگران اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌های تمام‌عیار منطقه‌ای و آمایش سرزمین تهیه کنند.<sup>۱</sup>

پروژه برنامه یازدهم که در گردهمایی کمیسیون‌های تمرکز<sup>۲</sup> تهیه شد و در ابتدا قرار بود، دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۷ را دربر گیرد، به تصویب دولت برآمده از انتخابات مجلس در مارس ۱۹۹۳ نرسید، این دولت تصمیم گرفت گزینش‌های سیاست اقتصادی خود را در مجموعه‌ای از قوانین پنج‌ساله بگنجاند. بحران برنامه‌ریزی فرانسه آشکار می‌شود.

با این حال نسل سوم قراردادهای برنامه دولت - مناطق (۱۹۹۴-۱۹۹۸) پا به عرصه حیات می‌گذارد. تدوین برنامه‌ریزی دانشگاه<sup>۳</sup> ۲۰۰۰، از ۱۹۹۱ که مجموعه Collectivités را برای تحلیل تحول دستگاه آموزش عالی در مناطق و تدوین برنامه‌ای<sup>۴</sup> پنج‌ساله را گرد می‌آورد، رویه‌های تمرکز تمرکز را تقویت می‌کند.

رقم کل تعهدات دولت به ۶۷/۵ میلیارد فرانک، یعنی ۳۲ درصد بیش از نسل قبلی تعهدات می‌رسد. اگر رقم اعتبارات تخصیص‌یافته به قراردادهای شهری را هم منظور کنیم، دولت بیش از ۷۶ میلیارد فرانک به نسل سوم قراردادهای برنامه اختصاص می‌دهد و از فعالیت‌های توسعه روستایی، آموزش و تحقیقات، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، رقابت اقتصادی پشتیبانی می‌کند. یک مکانیسم ارزیابی قراردادهای برنامه، با در نظر گرفتن اعتبارات ویژه برای هر یک ایجاد می‌شود.

در دسامبر ۱۹۹۳ از طرف ادوار بالادور نخست‌وزیر به ژان دوگل، نماینده پاریس مأموریت بررسی «آینده برنامه و جایگاه جامعه فرانسوی» محول می‌شود. نتیجه این مأموریت گزارشی است با عنوان «آینده برنامه و جایگاه برنامه‌ریزی در جامعه فرانسه».

یک ارزیابی کلی از عملکرد برنامه‌های اقتصادی فرانسه نشان از آن دارد که برنامه‌های

۱. توفیق، ۱۳۸۳.

2. Commissions de Concentration  
3. Plan Université, 2000.  
4. Programmation

توسعه اغلب پنج‌ساله و سندی برای برنامه‌ریزی اقتصادی دولت به‌شمار می‌رفت که براساس آن اهداف تولید و توسعه اقتصادی برای مدت پنج سال مشخص می‌شد، لکن از برنامه پنج‌به‌بعد، عملکرد برنامه‌ها در حد انتظار نبوده و برنامه‌ها موفق به دستیابی به اهداف تعیین شده، نشده‌اند. ضمن آنکه از برنامه هفتم، بحران در برنامه‌ریزی فرانسه آشکار شده و پس از برنامه دهم، برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح ملی در فرانسه کنار گذاشته می‌شود و برنامه‌های راهبردی جایگزین برنامه‌های گذشته می‌شود. شایان ذکر است تمامی این برنامه‌های اقتصادی توسط سازمان برنامه‌ریزی کشور فرانسه<sup>۱</sup> تهیه شدند. این سازمان تا سال ۲۰۰۵ به‌کار خود ادامه داد و از آن پس مرکز تحلیل استراتژیک<sup>۲</sup> (مرکز برنامه‌ریزی راهبردی) جایگزین آن شد.

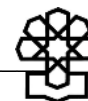
#### ۴. مرکز برنامه‌ریزی راهبردی<sup>۳</sup>

مرکز برنامه‌ریزی راهبردی یک مؤسسه تخصصی و پشتیبانی از تصمیم تحت نظارت نخست‌وزیر است. مأموریت آن کمک به دولت در جهت‌گیری، تعریف و تبیین برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فناوری است.

این مرکز به درخواست نخست‌وزیر و در پی اصلاحات کلیدی دولت در ماه مارس سال ۲۰۰۶ بنیان نهاده شد و جایگزین سازمان برنامه‌ریزی گشت. این مرکز، مطالعه و تهیه برنامه‌های سالیانه کشور را برعهده دارد. این مرکز تحت نظارت یک کمیته راهبری ۱۳ عضوی کار می‌کند. کمیته راهبری در تعیین برنامه کار سالیانه مرکز مشارکت دارد. این کمیته حداقل دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد. اعضای این کمیته عبارتند از:

- نایب‌رئیس شورای تحلیل اقتصادی،
- نایب‌رئیس شورای تحلیل اجتماعی،
- رئیس شورای جبران خدمت،
- رئیس شورای اشتغال،
- رئیس شورای عالی یکپارچه‌سازی (ادغام)،
- دبیرکل امور اروپا،
- نماینده وزرای توسعه و پیشرفت منطقه‌ای،
- دو نماینده،

1. Commissariat General du Plan  
2. Centre d'Analyse Stratégique  
3. Centre d'Analyse Stratégique



- دو سناتور،

- عضو شورای اقتصادی و اجتماعی.

فعالیت‌های مرکز برنامه‌ریزی راهبردی در چهار حوزه امور اجتماعی، امور اقتصادی و مالی، کار و اشتغال و توسعه پایدار است. این مرکز متشکل از کارشناسان و متخصصین تمام‌وقت و مشاوران علمی است که از حوزه‌های گوناگون پژوهش با این مرکز همکاری می‌نمایند.

واقع شدن در مرکز تخصص و تجربه ملی و اروپایی این امکان را برای مرکز فراهم آورده تا در انجام کارهای خود از کمک سازمان‌های فرانسوی و خارجی بهره برد که از آن جمله می‌توان به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اداری در فرانسه، اتحادیه اروپا، مراکز تحقیقاتی، بنیادها و گروه‌های بازخور و خبرنگاران خارجی اشاره کرد. گفتنی است مرکز برنامه‌ریزی راهبردی مطالعات و تحقیقات مورد نیاز را به‌عنوان بخشی از برنامه سالیانه خود انجام می‌دهد.

مرکز برنامه‌ریزی راهبردی شامل چهار بخش است که اهم حوزه‌های کاری آنها در زیر آمده است:

- **مالی - اقتصادی:** کسب‌وکار، تولید، رقابت، سیاست صنعت، مصرف، درآمد، قدرت خرید،

پیگیری برنامه اصلاحات ملی، سیستم مالیاتی، امور مالی عمومی.

- **توسعه پایدار:** انرژی، حمل‌ونقل، نوآوری، تحقیق و توسعه، برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی

شهری، کشاورزی، محیط زیست، توسعه پایدار.

- **امور اجتماعی:** یکپارچه‌سازی (ادغام) اجتماعی، بهداشت، اخلاق زیستی، تأمین هزینه‌های

رفاه اجتماعی، جمعیت‌شناسی، آمارنگاری، ساختار خانواده، روابط بین نسل‌ها، ازکارافتادگی.

- **اشتغال - کار:** روابط کار، جنبش‌های کارگری، مهاجرت، آموزش و پرورش در طول

زندگی، عملکرد بازار کار، معاملات آینده‌نگر، سیاست‌های اشتغال، درآمد.

بیان فعالیت‌های مرکز روی سایت اینترنتی مرکز قرار می‌گیرد. اهم این گزارش‌ها عبارتند از:

- یادداشت‌های تحلیلی (هفتگی)،

- گزارش‌های فصلی،

- مجموعه مقالات کنفرانس‌ها.

همچنین این مرکز سالیانه سمینارها، سمپوزیوم‌ها و کارگاه‌های گوناگونی در حوزه‌های

مختلف سازماندهی می‌کند.

#### ۴-۱. بخش مالی - اقتصادی

گروه مالی - اقتصادی تحلیل اقتصادی واقعی از رشدهای میان‌مدت و درازمدت در حوزه‌های

اقتصادی ارائه می‌کند. این افق توسط یک تیم راهبردی که بیش از هر چیز به سیاست‌های ساختاری حمایت از رشد بالقوه (سیاست‌های رقابتی، نوآوری، تنظیم بازار و مالیات) توجه دارد ترسیم می‌شود و شرایط ثبات مالی و پویایی کاری را تعیین می‌کند.

برای این منظور گروه مالی - اقتصادی برای غنی‌سازی تحلیل‌ها و پیشنهادات خود از روش‌های اقتصاد کلان و خرد، نتایج پژوهش‌های دانشگاهی، مدل‌سازی، نظرات کارشناسان فن و فعالان اقتصادی استفاده می‌کند.

بررسی بحران اقتصادی که جهان را از پاییز ۲۰۰۸ به شدت تحت تأثیر قرار داده و تمرکز ویژه بر سیاست‌ها، نهادها و راهکارهایی که به حفظ، ثبات و تعادل اروپای درحال رشد کمک کند، نیز به‌عنوان یک مورد استثنا از وظایف اخیر این گروه است.

#### ۲-۴. بخش توسعه پایدار

اداره کل توسعه پایدار: مسئول سیاستگذاری در بخش‌های (محیط زیست، انرژی، حمل‌ونقل)، توسعه فناوری (سیاست فضایی، اقتصاد دیجیتال) و نسخه‌های صنعتی آن است. توسعه پایدار، به‌طور ویژه مسئولیت تعریف برنامه‌های مبارزه با تغییرات آب‌وهوا و حفاظت از تنوع زیستی را همزمان با توجه به صنعت رقابتی و یا مسائل مرتبط با توزیع مجدد ثروت برعهده دارد و در این راه با سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها و با دولت‌های دیگر و سازمان‌های دولتی همکاری می‌کند.

#### ۳-۴. بخش امور اجتماعی

اداره کل امور اجتماعی به تحلیل خطرات اجتماعی (سلامت، اعتیاد، خانواده، مسکن) و به‌عبارتی به ریسک‌های روابط اجتماعی که ناشی از «با هم زندگی کردن» است، می‌پردازد و در زمینه سیاست شهری، گونه‌های نژادی و سیاست انسجام اجتماعی فعالیت می‌کند.

در این میان، شناسایی روندهای درحال ظهور و بهترین شیوه‌های زندگی با توجه خاص به عناصر مؤثر و مقایسه‌های بین‌المللی از دیگر مواردی است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود. نتایج کارها به اشکال مختلف (یادداشت تحلیلی، گزارش، کارگاه‌های آموزشی) و با همکاری کارشناسان و سازمان‌های دیگر به سطح جامعه منتقل می‌شود.

#### ۴-۴. بخش امور کار و اشتغال

اداره کل امور کار و اشتغال، وظیفه تحلیل بازار کار، خصوصاً از نظر تحرک اقتصادی و حرفه‌ای



را برعهده دارد. ترسیم آینده بازار کار و مهارت‌های لازم به‌همراه حوزه‌های فعالیت خدمات عمومی، شرکای اجتماعی و جوامع محلی برعهده این بخش است. درمجموع سیاستگذاری در حوزه مسائل مربوط به سیاست کار، درآمد، اشتغال و آموزش در طول زندگی (آموزش ابتدایی تا آموزش عالی) در این بخش انجام می‌شود.

در این مرکز بالغ بر ۳۰ اقتصاددان مشهور در حوزه‌های گوناگون و ۶ عضو از حوزه قانونگذاری (نایبرئیس شورای تحلیل اقتصادی، نایبرئیس شورای تحلیل اجتماعی، رئیس شورای جبران خدمت، رئیس شورای اشتغال، رئیس شورای عالی یکپارچه‌سازی (ادغام)، عضو شورای اقتصادی و اجتماعی) حضور دارند که نماینده بخش‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی هستند.

گزارش‌های مرکز توسط یک یا تنی چند از اعضا و بعضاً به کمک سایر اعضای که در مرکز حضور فیزیکی ندارند (به‌صورت گروه‌های کاری) تهیه و تدوین می‌شود. گزارش‌ها در یک جلسه عمومی (که اعضای کمیته راهبری در آن حضور دارند) به بحث گذاشته می‌شود. سازماندهی و تشکیل جلسه‌های عمومی به‌عهده یک گروه دائمی است که به ریاست دبیرکل مرکز و تحت نظارت رئیس‌جمهور انجام وظیفه می‌کند.

پس از این جلسه تهیه‌کنندگان گزارش، نسخه دوم گزارش را تهیه و به نخست‌وزیر یا وزیر دیگری که موضوع به وی مربوط است (در جلسه‌ای که به ریاست وزیر مربوطه یا نخست‌وزیر برگزار می‌شود) ارائه می‌کنند و در نهایت گزارش به‌همراه نقطه‌نظر شرکت‌کنندگان در بحث منتشر می‌شود. شایان ذکر است در غیاب نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور اعضای جلسه‌ای را که بحث و بررسی در مورد نسخه دوم گزارش را انجام می‌دهند منصوب نموده و ریاست جلسات را برعهده می‌گیرد.

بدیهی است دیدگاه‌های مطروحه در گزارش‌های مرکز، دیدگاه‌های تهیه‌کنندگان آن است و نه دیدگاه شورا، نایب رئیس و نه البته نخست‌وزیر.

شوراها و کمیسیون‌هایی که با این مرکز همکاری دارند عبارتند از:

- دفتر شورای ملی اطلاعات آماری،
- شورای ملی توسعه پایدار،
- کمیسیون اقتصادی کشور،
- کمیسیون رفاه اجتماعی،
- شورای مشورتی اشتغال،
- شورای تحلیل بازار،
- مرکز مطالعات درآمد و انسجام اجتماعی،
- مرکز مطالعات آینده‌نگر اطلاعات بین‌المللی،

- شورای مشورتی جبران خدمت،
- شورای تحلیل اقتصادی،
- شورای عالی بیمه خدمات درمانی،
- شورای عالی بخش عمومی،
- کمیته عالی کار، آموزش، اقتصاد،
- مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی،
- ممیزی شرایط اقتصادی فرانسه.

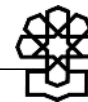
### ۵. نقش نخست‌وزیر در برنامه‌ریزی ملی

نخست‌وزیر رئیس کابینه دولت در ابعاد برجسته سیاسی است که در تمام سطوح اقدامات دولتی از انتصاب اعضای کابینه گرفته تا تعیین اهداف، رهبری، هماهنگی، تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرای سیاست‌های دولت مداخله دارد. از لحاظ سیاسی، نخست‌وزیر مسئول جمع اقدامات دولت است. لذا مسئولیت سیاسی نخست‌وزیر در برابر پارلمان نتیجه طبیعی این اختیار قانونی وی به‌نظر می‌رسد. مطابق با قانون اساسی نخست‌وزیر وظیفه تعامل با نمایندگان مجلس و پاسخگویی به آنها درخصوص عملکرد دولت را برعهده دارد، چه این پاسخگویی در مورد اساس برنامه‌های دولت باشد و چه درخصوص سخنرانی‌هایی که پیرامون سیاست عمومی در مجلس ارائه می‌کند.

نخست‌وزیر برای هدایت بهتر کابینه دولت اغلب بر کارهایی که به‌طور مستقیم به وی مرتبط می‌باشند توجه دارد به‌عبارت بهتر وی در نقش سیاسی خود بر کار کابینه نظارت می‌کند و در نقش اداری خود به‌عنوان دبیرکل دولت فعالیت می‌کند.

نخست‌وزیر و اعضای کابینه دولت از توان تخصصی و پیشنهادات سازمان‌هایی مانند شورای دولتی، مرکز برنامه‌ریزی راهبردی، دفتر حسابرسی ملی و یا شورای اقتصادی و اجتماعی، به شکل گزارش‌هایی که می‌تواند مبنای اقدامات دولت باشد، بهره می‌برند.

نخست‌وزیر در انجام نقش خود به‌عنوان رئیس امور اداری کشور دارای قدرت نظارت عمومی است که در نتیجه آن مقررات کشوری (به‌طور عمده آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها) را که به جمع شهروندان مرتبط است وضع می‌نماید. او همچنین قدرت نظارت بر امور کشوری و لشگری (نظامی) را داراست و می‌تواند در تصمیمات مرتبط با امور نظامی و کشوری مداخله نماید.



## ۶. نقش مجلس در برنامه‌ریزی ملی

### ۱-۶. پیشنهاد قانون برنامه

طرح اولیه قوانین بودجه و قوانین مرتبط با رفاه اجتماعی ابتدا در شورای وزیران مطرح می‌شود و پس از کسب نظر شورای دولتی<sup>۱</sup> به دفتر بخش پارلمانی مجلس ملی ارائه می‌شود (درخصوص سایر قوانین طرح اولیه به دفتر بخش پارلمانی یا دفتر بخش سنای مجلس یا هر دوی آنها ارائه می‌شود). طرح اولیه قوانینی که توسط نخست‌وزیر (دولت) پیشنهاد می‌شود طرح «لایحه» می‌نامند. لوایح سپس در هر دو بخش مجلس ملی و سنا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا اجماع نظر کلی میان هر دو بخش انجام شود. در صورت عدم اتفاق نظر درخصوص یک لایحه قانونی نخست‌وزیر می‌تواند تقاضای یک جلسه کمیسیون مشترک را به مجلس ارائه کند. در صورت عدم اتفاق نظر میان مجلس ملی و سنا، نظر نهایی مجلس ملی ملاک عمل خواهد بود. نخست‌وزیر می‌تواند درخصوص یک لایحه قانونی نظر شورای قانون اساسی<sup>۲</sup> را قبل از ارائه لایحه به مجلس کسب نماید.

### ۲-۶. کمیسیون مشترک

در فرآیند قانونگذاری در فرانسه چنانچه مجلس ملی و سنا درخصوص یک لایحه قانونی اتفاق نظر نداشته باشند، این کمیسیون تشکیل می‌گردد. این کمیسیون ۱۴ عضو دارد که ۷ عضو آن از نمایندگان مجلس ملی و ۷ عضو دیگر از سنا هستند. نظر این کمیسیون در مورد لایحه به دولت ارائه می‌شود تا برای تصویب نهایی به مجلس ملی و سنا برده شود. چنانچه کمیسیون در مورد لایحه به یک نظر نهایی نرسد و یا لایحه مورد تأیید اعضای مجلس ملی کمیسیون نباشد، دولت می‌تواند پس از قرائت مجدد لایحه در حضور نمایندگان مجلس ملی و سنا از نمایندگان مجلس ملی تصمیم نهایی را تقاضا نماید.

پس از بحث و بررسی درباره لایحه در مجلس آنچه مورد تأیید نمایندگان مجلس واقع شده «پیش‌نویس قانون» است. به عبارتی دولت در مجلس به تشریح طرح اولیه یک قانون (لایحه) می‌پردازد و پس از بحث و بررسی درخصوص آن، نتیجه به صورت «پیش‌نویس قانون» به دولت ارائه می‌شود. پیش‌نویس قانون و اصلاحات انجام شده توسط نمایندگان روی طرح اولیه (لایحه) تنها در صورتی

۱. شورای دولتی یک مؤسسه ملی است که توسط ناپلئون بناپارت ایجاد شده است. نقش اصلی آن توصیه به دولت است. برای این منظور، شورای دولتی باید توسط دولت برای برخی کارها از جمله لوایح مورد مشورت قرار می‌گیرد.

۲. شورای قانون اساسی یک نهاد در قانون اساسی فرانسه است. این نهاد تضمین برگزاری انتخابات عادلانه و همه‌پرسی‌های ملی، نظر در انطباق با قانون اساسی و قوانین مقررات خاص قبل از آن را برعهده دارد. این نهاد همچنین در شرایط معینی در مسائل مجلس و مسائل عمومی مداخله می‌نماید.

قابل پذیرش نیست که منجر به افزایش هزینه یا کاهش درآمد دولت شود. در موارد استثنا، پیش‌نویس یک قانون می‌تواند مجدد برای بررسی و اظهارنظر نهایی به دفتر مجلس ملی ارائه شود. قبل از اصلاحات سال ۲۰۰۸ دولت بر مجلس اولویت داشت و این دولت بود که دستور کار مجلس را تعیین می‌کرد. یعنی برنامه مجلس درخصوص بحث پیرامون لوایح قانونی و بررسی پیشنهادات در هر جلسه توسط دولت تعیین می‌شد، لکن درحال حاضر دستور کار مجلس به دو بخش دو هفته‌ای تغییر یافته که دو هفته آن در اختیار دولت و دو هفته دیگر در اختیار مجلس است.

### ۳-۶. نقد و بررسی در کمیته اصلاح متن

طرح پیشنهادی درخصوص یک قانون طی چند مرحله و پس از دقت در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات تصویب می‌شود. پس از پیشنهاد لایحه توسط دولت، لایحه توسط یک کمیسیون تخصصی<sup>۱</sup> در مجلس (یا بیش از یکی) مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم اصلاحات مورد نیاز پیشنهاد می‌شود و سپس در یک جلسه عمومی به استماع نمایندگان می‌رسد و در نهایت رأی‌گیری در شورای ملی انجام می‌شود.

### ۷. اجرای برنامه و ارزیابی آن

پس از تصویب قانون یک برنامه، برنامه مورد نظر و مستندات آن (تحت عنوان آیین‌نامه و بخشنامه) برای اجرا به حوزه‌های مرتبط ابلاغ می‌شود. نظارت بر اجرای درست قوانین برنامه برعهده وزرای ذیربط در کابینه دولت و در رأس آنها نخست‌وزیر می‌باشد. لازم به توضیح است ارزیابی اجرای برنامه‌ها و بررسی و تحلیل علل موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه، در سازمان‌ها و مؤسسات تحت نظارت وزرا و همچنین با همکاری مرکز برنامه‌ریزی راهبردی و با کمک مشاوران، شوراها و مؤسساتی که با این مرکز همکاری دارند صورت می‌پذیرد. در موارد خاص چنانچه عملکرد اجرای یک برنامه توسط دولت مورد تأیید مجلس نباشد، ارزیابی نتایج اجرای برنامه در دستور کار کمیسیون‌های تخصصی مجلس قرار گرفته و در صورت اثبات زیان عمومی (به صلاحدید مجلس)، لزوم بررسی و بازنگری برنامه به دولت اعلام می‌شود.

۱. مجلس فرانسه هشت کمیسیون دائمی دارد که عبارتند از آموزش و پرورش و امور فرهنگی، امور اقتصادی، امور خارجه، امور اجتماعی، دفاع ملی و نیروهای مسلح، توسعه پایدار و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، امور مالی و قوانین.



## ۸. خصوصی سازی و رابطه دولت با بخش خصوصی

بسیاری از کشورها برنامه‌های خصوصی سازی را به عنوان بخشی از برنامه‌های تعدیل ساختاری با اصلاح بخش عمومی آغاز کرده‌اند. خصوصی سازی اغلب مستلزم تجدید ساختار و ایجاد تغییراتی در مدیریت و رفتار بنگاه‌هاست. بی تردید، این اقدام آثار گسترده‌ای بر روابط حاکم بر نیروی کار خواهد گذاشت.

اصطلاح خصوصی سازی را درباره سه نوع فعالیت متمایز می‌توان به کار برد:

- دسته اول، فعالیت‌هایی که بنگاه‌های عمومی، در یک بازار رقابتی انجام می‌دهند (مانند کارخانه‌های تولیدکننده کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای).

- دسته دوم، فعالیت‌هایی است که بنگاه‌های عمومی در شرایط انحصاری انجام می‌دهند و می‌توان آنها را به انحصارهای طبیعی (گاز، برق و آب) و انحصارهای مصنوعی - ناشی از محدودیت بنگاه‌های دیگر (اعم از داخلی و خارجی) در ورود به بازار - تقسیم کرد (کارخانه‌های اتومبیل سازی از این نوعند).

- دسته سوم شامل عقد قراردادهایی در مورد خدمات بخش عمومی از جمله جمع‌آوری زباله‌ها و خدمات مربوط به زندانیان است که در آن دولت اقدام به عقد قراردادهای کلی یا جزئی برای پرداخت پول در ازای خدمات می‌کند.

دسته دوم فعالیت‌هایی که قابلیت خصوصی سازی دارند شامل بنگاه‌های بزرگ است که در کشورهای توسعه یافته به آنها توجه زیادی شده است. به عبارتی تعداد بنگاه‌های بزرگ فروخته شده در این کشورها به مراتب کمتر از کشورهای در حال توسعه و کشورهای شرق اروپاست.

در بحث خصوصی سازی چنین تصور می‌شد که خصوصی سازی بهره‌وری و کارایی را در تمامی حوزه‌ها افزایش می‌دهد. یکی از کشورهایی که خصوصی سازی در آن با سرعت قابل توجهی آغاز شد، کشور فرانسه است. با تمرکز رویکرد دولت به سمت اقتصاد بازار، توسعه و مدیریت رویه‌های خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی و جلب حمایت بخش خصوصی در تدارک کالاها و خدمات مورد توجه واقع شد. این تمرکز منجر به خصوصی سازی در بخش‌های گوناگون شد.

در خصوصی سازی در کشور فرانسه دولت به طور همزمان به عنوان کارشناس امور مالی، مقام مسئول و بازرس خدمات و به عنوان تولیدکننده یا تأمین‌کننده خدمات ایفای نقش می‌نماید. تلاش دولت بر آن است تا کارایی با مذاکره، انگیزش، تصمیم‌گیری مشارکتی و هماهنگی افزایش یابد. از طرفی دولت تلاش می‌کند قواعدی را وضع نماید تا با افزایش رفاه عمومی، تضمین رقابت آزاد و دوری از تنظیم بازار با کنترل‌های غیرضروری مزیت‌های خصوصی سازی را ترویج نماید.

لکن در عمل وجود نگرشی منفی و دوسویه میان کارگر و کارفرما و نیز عدم وضوح و شفافیت کافی در رویه‌های خصوصی‌سازی، کاهش کارآیی و افزایش ریسک برای سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان بالقوه در برخی بخش‌های خصوصی‌سازی شده به‌همراه داشته تا جایی که امکان خصوصی‌سازی کامل آنها با توجه به مسائل و مشکلات آتی آنها فراهم نشد. از مهمترین مؤسسات و سازمان‌هایی که تاکنون بخش و یا تمامی سهام آنها واگذار شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Credit Lyonnais: یکی از بانک‌های دولتی فرانسه که در سال ۲۰۰۱ خصوصی شد.

France Telecom: شرکت مخابرات فرانسه که به دلایل موجه تنها ۵۰ درصد سهام آن تا سال ۲۰۰۴ واگذار شده است.

EDF: شرکت برق منطقه‌ای فرانسه که تا سال ۲۰۰۵ تنها ۳۰ درصد سهام آن واگذار شده و ۷۰ درصد آن دولتی باقیمانده است.

GDF: شرکت گاز فرانسه که ۸۰ درصد آن متعلق به دولت است و خصوصی‌سازی آن همچنان در ورطه بحث و بررسی است.

Air France: تا سال ۲۰۰۴، ۵۴/۴ درصد سهام آن متعلق به دولت بوده که پس از آن این مقدار به ۴۴ درصد کاهش یافته است.

لازم به توضیح است که در یک نگاه کلی خصوصی‌سازی در کشور فرانسه با مزایایی که برای آن پیش‌بینی شده مطابقت نداشته و دولت این کشور به‌عنوان یکی از دولت‌های موفق در امر برقراری ارتباط مؤثر با بخش خصوصی و خصوصی‌سازی یاد نمی‌شود.

### جمع‌بندی

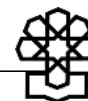
برنامه‌ریزی در کشور فرانسه طی چند دهه گذشته از زمان آغاز تدوین برنامه‌های چندساله تاکنون، هم از لحاظ روش تدوین و هم از لحاظ محتوای تدوین شده در برنامه‌ها، تغییرات قابل توجهی داشته است. اهداف هر برنامه، شاخص‌های کمی در نظر گرفته شده در هر برنامه برای سنجش این اهداف و نیز نتایج به‌دست آمده در هر برنامه نیز به‌طور تقریباً مشخصی، با برنامه‌های دیگر متفاوت بوده است و درحالی‌که، طی برنامه‌های ابتدایی، عمدتاً جهت‌گیری‌های اقتصاد اجتماعی و رفاه‌محور داشته است، در برنامه‌های بعدی سمت‌وسوی بازاری و مبتنی‌بر حرکت اقتصاد فرانسه به سمت مکانیسم بازار آزاد و رقابتی شدن در عرصه داخلی و بین‌المللی به‌خود گرفت. خلاصه محورها، شاخص‌ها و نتایج مورد نظر در برنامه‌های مختلف که مشروح آن در گزارش از نظر گذشت به تفکیک در جدول زیر آمده است:



## جدول محورها، شاخص‌ها و نتایج مورد نظر در برنامه‌های مختلف

برنامه	دوره	محورهای اصلی	شاخص‌های کمی	نتیجه
اول	۱۹۵۲-۱۹۴۷	- راه‌اندازی دوباره دستگاه تولیدی و تأمین نیازهای اساسی جمعیت - ارتقای سطح زندگی و بهبود شرایط مسکن و زندگی جمعی - برنامه، بازسازی آلات و ادوات و ماشین‌ها و تجهیزات عمومی و خصوصی آسیب‌دیده یا ویران شده - ناشی از حوادث جنگ	بر ۶ بخش پایه‌ای متمرکز شده است: زغال‌سنگ، برق، سیمان، ماشین‌آلات کشاورزی، حمل‌ونقل و فولاد	با توجه به شمار محدود اهداف انتخابی و یک رأیی و اتفاق آرا حول آنها، برنامه اول به خوبی تحقق یافته است
دوم	۱۹۵۴-۱۹۵۲	- تولید بیشتر - تولید بهتر - دستیابی به کارآیی هرچه بیشتر منابع و نیروی انسانی	دستیابی به رشد ۴/۴ درصد تولید ناخالص ملی	دستیابی به نرخ رشد ۵/۲۱ درصد در سال
سوم	۱۹۶۱-۱۹۵۸	- تأمین کار برای جویندگان کار - رقابتی کردن اقتصاد فرانسه در عرصه بازار مشترک اروپایی - افزایش سطح تراز تجاری - برنامه تثبیت ژاک روئوف	- افزایش سطح تراز تجاری به ۳۰۰ میلیون دلار - دستیابی به رشد ۶/۴ درصد در سال	دست‌آورد برنامه تقریباً در همان حدود برآورد شده
چهارم	۱۹۶۵-۱۹۶۲	- رشد قابل اطمینان با نگاه به تعادل‌های بزرگ - افزایش دو برابر سریع‌تر تجهیزات جمعی از رشد تولید ناخالص داخلی - کوشش برای اصلاح نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای، توجه به مسائل توزیع ثمرات	رشد ۲۴ درصد در افق برنامه	به‌طور تقریبی محقق شد و از همه برنامه‌ها بهتر اجرا شد
پنجم	۱۹۷۰-۱۹۶۶	- افزایش توان رقابتی اقتصاد فرانسه با سایر کشورهای بازار مشترک - جهش در رشد سریع صنعت و پیشرفت اجتماعی از طریق توسعه تجهیزات جمعی - افزایش توان رقابتی دستگاه تولیدی، کنترل تحولات درآمدها و قیمت‌ها	رشد ۵ درصد در سال	عملکرد برنامه در حد انتظار نبود و دستیابی کامل اهداف کمی صورت نگرفت
ششم	۱۹۷۵-۱۹۷۱	- ایجاد رشد سریع اقتصاد - افزایش توان رقابتی، تعادل ارزی و پولی و ثبات نسبی قیمت‌ها	- رشد ۵/۶ تا ۶ درصد در سال - رشد قیمت‌ها کمتر از ۳/۲ درصد در سال	دولت در دستیابی به اهداف تعیین شده، ناکام ماند

برنامه	دوره	محورهای اصلی	شاخص‌های کمی	نتیجه
هفتم	۱۹۷۶-۱۹۸۰	- مبارزه با بیکاری - تهیه ۲۵ برنامه عمل اولویت‌دار	دستیابی به هدف کمی رشد سالانه ۵/۵ تا ۶ درصد	برنامه هفتم تقریباً در همه زمینه‌ها کمتر از اهداف انتخاب شده بوده
هشتم	۱۹۸۱-۱۹۸۵	- اولویت بخش صنعت با تکیه خاص بر زیربخش‌هایی با تکنولوژی برتر - استفاده از یک الگوی تازه کلان اقتصادی - ریاضیات در خدمت دمکراسی	- فاقد هدف کمی رشد تولید ناخالص ملی - تدوین سناریوهای متعددی برحسب فرضیه‌های گوناگون در باره اوضاع بین‌المللی	برنامه به پارلمان ارائه نمی‌شود و معلق می‌ماند
نهم	۱۹۸۴-۱۹۸۸	تدوین ۱۲ هدف اجتماعی در این برنامه که شامل: نوسازی نظام آموزشی و تربیت جوانان، گسترش پژوهش و نوآوری، گسترش صنایع ارتباطی، کاهش وابستگی به واردات انرژی، توسعه اشتغال، فروش بهتر محصولات فرانسوی در داخل کشور، تأمین محیط مساعد برای خانواده و باروری، پیشرفت در امر تمرکززدایی، بهتر زیستن در شهرها، نوسازی و بهبود مدیریت نظام درمانی و بهبود سیستم دادگستری و امنیت است	فاقد هدف کمی	ارزیابی عملکرد برنامه نهم به دلیل انتخاب اهداف کیفی و خلاً شاخص‌های اندازه‌گیری، تقریباً ناممکن شد
دهم	۱۹۸۹-۱۹۹۲	- جهت‌گیری برنامه از نوع ساختاری - روشن کردن وضع آینده، برای بلندمدت، با گزارش ورود به قرن بیست و یکم - ماهیت برنامه که منبسط «راهبردی» توصیف می‌شود	هدف‌های انتخاب شده بیشتر از ارزیابی مشخصی وجود ندارد	
یازدهم	۱۹۹۲-۲۰۰۶	- نسل سوم قراردادهای برنامه دولت - مناطق پا به عرصه حیات می‌گذارد - پشتیبانی از فعالیت‌های توسعه روستایی، آموزش و تحقیقات، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، رقابت اقتصادی - ایجاد یک مکانیسم ارزیابی قراردادهای برنامه، با در نظر گرفتن اعتبارات ویژه برای هریک - سازمان برنامه‌ریزی تا سال ۲۰۰۵ به‌کار خود ادامه داد و از آن پس مرکز تحلیل استراتژیک (مرکز برنامه‌ریزی راهبردی) جایگزین آن شد	فاقد هدف کمی	فاقد ارزیابی



۱. آرون، ریمون. خاطرات - پنجاه سال اندیشه سیاسی، ترجمه مسعود محمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۲. مالیات همبستگی فرانسه (فرمان ۱۵ اوت ۱۹۴۵) ترجمه بهنام جعفری و مسعود محمدی.
۳. توفیق، فیروز. تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی، با تأکید بر تجربه شوروی سابق، فرانسه، هند و کره جنوبی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳.
۴. رفیعی، بهروز. آمایش سرزمین و منطقه‌ای کردن اعتبارات سرمایه‌گذاری در فرانسه، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.
۵. عندلیب، علیرضا. نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶. زیاری، کرامت‌اله. اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه یزد، ۱۳۸۰.
۷. زیاری، کرامت‌اله. توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری در قرن بیست‌ویکم، مجله زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، شماره ۱۶۰.
۸. پاسوار، محمدحسن و اصغر مشبکی. برنامه‌ریزی ملی با رویکرد مدیریت کیفیت جامع، مجله مدرس علوم انسانی، دوره دهم، شماره اول، ۱۳۸۵.
۹. برنامه‌ریزی منطقه‌ای به روش تعیین محورهای توسعه معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۰. میانی برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی در ایران و چند کشور منتخب، ویرایش دوم، معاونت برنامه‌ریزی ریاست‌جمهوری، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۸۸.
11. Planification en France. Un article de Wikipédia, l'encyclopédie libre.
12. J. Schumpeter- Esquisse d'une histoire de la Science Économique, des origines jusqu'au début du XX siècle. Traduit par G.-H. Bousquet, deuxième édition, - Paris – Librairie Dalloz- 1972.
13. J.-J. Carre/ P. Dubois. E, Malinvaud . Abrégé de la Croissance Française.. Un essai d'Analyse Causale de l'après-Guerre. Edition du Seuil, 1973.
14. Charles Bettelheim. L'économie allemande sous le nazisme.Tome 1- Deuxième édition, Librairie François Maspero. Paris ,1971.
15. Charles Bettelheim. L'économie allemande sous le nazisme.Tome 2- Deuxième édition, Librairie François Maspero. Paris ,1971.
16. Raymod Aron. Mémoire، 50 ans de réflexion politique. Paris, juillard, 1983.
17. Le Petit Robert des noms propres. Dictionnaire illustre :arts, littérature, histoire, géographie, Science, techniques, mythologies, religions, philosophie.
18. Villa La Collina, Cadenabbia, Privatisation Experiences in the EU, Nov, 2003.
19. Michel Berne, Gerard Pogorel, Privatization Experience in France, CESIFO WORKING PAPER NO. 1195, May, 2004.
20. Bizet, Bernard, Public Property Privatization in France, May, 2004.
21. Todaro, Michael. 1981. Economic Development in the Third World, Routledge , London.
22. <http://fr.wikipedia.org/>
23. <http://www.strategie.gouv.fr/>
24. [www.state.gov/r/pa/ei/bgn/3842.htm](http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/3842.htm)
25. <http://www.parlement.fr>

26. <http://www.gouvernement.fr/premier-ministre>
27. [http://fr.wikipedia.org/wiki/Parlement\\_français](http://fr.wikipedia.org/wiki/Parlement_français)
28. <http://karafarini-mehdi.blogfa.com/post-62.aspx>
29. <http://www.francenumerique2012.fr/>
30. <http://www.parsidoc.com/architecture/4255-1388-09-21-05-22-56.html>
31. <http://www.french-property.com/guides/france/building/planning/framework/>
32. <http://ideas.respec.org/p/ces/ceswps/1195.html>
33. <http://www.sjsu.edu/faculty/watkins/privFrance.htm>
34. [http://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_privatizations](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_privatizations)
35. <http://www.jstor.org/stable/212135>



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۳۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ۱۲. برنامه‌ریزی  
در کشور فرانسه

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه برنامه)  
تهیه و تدوین‌کنندگان: مسعود محمدی، مریم کمرئی  
همکاران: حسن ورمزیار، توحید آتش‌بار، محسن فاتحی‌زاده  
ناظران علمی: حسن سبحانی، محمد قاسمی  
متقاضی: معاونت اقتصادی  
ویراستار تخصصی: —  
ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه
۲. برنامه‌ریزی
۳. آمایش
۴. برنامه‌ریزی منطقه‌ای

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰